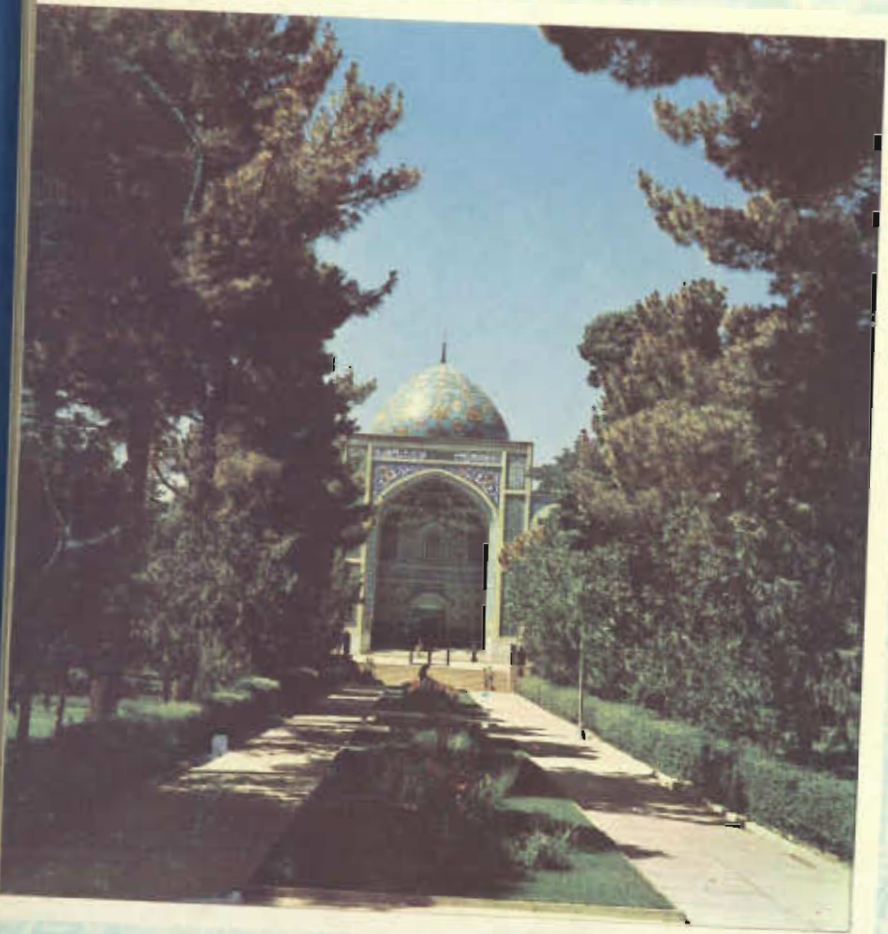


فصلنامه علمی و پژوهشی



شماره پنجاه و هشتاد و نه
کتابخانه تخصصی پژوهش و توسعه
شماره ۴۸۹۶۹

شماره پنجاه

بهر و مردم

از اشارات وزارت فرهنگ و هنر

آذرماه ۱۳۴۵

شورۀ جدید - شماره پنجاه

در این شماره :

- قلعه جهپور «دژ بند» جایگاه بابک خرم‌دین ۴
- دانش‌پنهای علمی و عملی برای محافظت آثار هنری ۷
- نگاهی به نقوش سفالی ایران ۱۲
- تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران ۱۸
- ترکمنهای ایران ۲۲
- نمونه‌ای از هنرهای نقاشی ایران در دوران تیموری ۳۵
- مجموعه محمودی ۴۸
- عکاسی ۳۹
- عما و خرواندگان ۴۴

مدیر : دکتر ا. خداینده‌لو
 سردبیر : شایب‌الله خجسته
 طرح و تنظیم از صادق بریرانی

نشریه اداره کل روابط فرهنگی

نشانی : خیابان حطوفی شماره ۱۸۳ تلفن ۷۱۰۵۷ و ۷۳۰۷۳



امامزاده محمد محروق

چاپخانه وزارت فرهنگ و هنر

قلعه جمهور، درز، جایگاه بابک خرم‌دین

کامبخت فرد

در ایستان سال جاری عیسی از اداره کل باستانشناسی و فرهنگ عامه وزارت کامبخت فرد با عضویت جعفر رحمتی و دو نفر دانشجویان دانشکده خراسانی زید آفغان، مرزور و قنبرزاده بدون تشویر در پی حوزة شهرستان مشکین شهر و اهر بکار بررسی و تحقیقات باستانشناسی پرداختند.

ضمن بررسی و حفاری در ارتفاع مشکین شهر کتیبه‌های بخط پهلوی در ۲۰ متر کشف گردید. این کتیبه در کنار رودخانه خیاو در سینه سنگی قطب قرار دارد.

بات بنای قرن اربعه هجری بر پایه شمالی سیلان بین فرات (انار-کلیبر) - فراوان (نور) مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت. بنای مرزور از مصالح سنگهای تراشیده بویون پاک تا نون و بویون ملاط ساخته شده و سقفهای نیمه دایره و سایر قطبها نشان میدهد.

ضمن بررسی و حفاری در شمال اهر در ۱۰۰ متر جنوب شهرمان اهر در ۱۰۰ متر جنوب اهر دو سوم حفاری کشف گردید که گزارش ضمن آن از نظر موقعیت محل و کیفیت ظاهری بنا و وسایل ابزار حفاری در زیر آمده است. گزارش جامع آن در آینده مسأله در یکی از نشریات خواهد شد.

موقعیت جغرافیایی:

بنای فعلی جمهور در پنجاه کیلومتری شمال شهرستان اهر و در ارتفاعات غربی شمالی از رود بزرگه خرم‌سود و در سه کیلومتری جنوب غربی کلیبر واقع است. امروزه کلیبر یکی از بخشهای مشرف شهرستان اهر است و سابقاً در این اهر و کلیبر هر دو از قصبیات پیشکین (مشکین شهر) بوده‌اند. در زمان نومان پیشکین در نزله‌القلوب چنین آمده است: «نومان پیشکین: در این نومان هفت شهر است، و پیشکین و خیاو و انار و ارجاق و اهر و تکلفه و کلنتر».

رودخانه مرزی ارس تقریباً ارس کیلومتری شمال کلیبر میگردد. در شاهزاده کیلومتری جنوب خاوروی آن کوهستان (هفتاسر) و در بخش جنوبی آن کوهستان (خرم‌مایورت) واقع است. قریه (گالان) و رود گالان در خاور و در عمق (برزلیق) در نوزده کیلومتری جنوب غربی کلیبر قرار دارند. بنای جمهور مرکز ارتفاع و قعر است. بر فراز قلعه کوهستانی با نام جمهور در ارتفاع بیش از ۲۳۰۰ تا ۲۶۰۰ متر از سطح دریا. اطراف این قلعه از هر طرف دره‌هایی عمیق ۴۰ تا ۶۰ متر فرا گرفته است. تنها از یکسو باین قلعه راهی باریک و در اصطلاح (بزی) وجود دارد.

راه کلیبر بقلمه با اینکه از ۳ کیلومتر تجاوز نمیکند ولی صعب و دشوار است و هنگام عبور از کوهها و کندها و انبوه جنگلهای باستانی گذر کرد. ولی مسافر خسته‌ای که نرسد زمان

و با رنج فراوان پس از ۳ ساعت کوه پیمایی و با کوفتی‌گی حاصل از سواری، آب و امش خود را بیای باروهای استوار این برده میکشاند. هنگامیکه عفت بنا را با دو چشم می‌نگرد و از فراز آن ستیغ، دره‌ها و کوهها و قرا و قصبیات را بر حقیر می‌بیند، از رنجی که برده بشیمان نشیود.

کیفیت ظاهری بنای جمهور:

قبل از اینکه بدروازه قلعه برسیم از معماری عبور میکنیم. این معبر بصورت دالانی است که از سنگهای منظم طبیعی شکل گرفته است و فقط گنجایش عبور برای یک نفر را دارد و در طول بخشی از آن میتوان گذراند. معبر در فاصله دویست متری دروازه قلعه و مقابل آن واقع است. ورود هر تازه‌وارد -

۱ - مشکین شهر - ۲ - انار - ۳ - کلیبر (زحمة الطوب) - کلیبر مرکز بخش و همچنین بعضی کلیبر از شهرستان اهر شمال اهر - انتهای جاده نوبه اهر به کلیبر واقع است. مختصات جغرافیایی آن عبارتند: طول ۳۰ درجه و ۵۷ دقیقه، عرض ۳۶ درجه و ۵ دقیقه و ۳۸ ثانیه. اختلاف ساعت با تهران ۱۷ دقیقه و ۳۳ ثانیه. آب از رودخانه کلیبر و در رشته چینه - بصولات غلات و سرخس و گردو و توت - شل زراعت و گله‌داری و کتب - صنایع دستی کلبه، حاجیم باقی - راه شوسه - قلعه عراقه بنام جمهور در بخش این قصبه روی تپه واقع شده است (فرهنگ جغرافیایی ایران جلد ۳ و ۴).



راست: نقشه منطقه ارساران و موقعیت بنای جمهور با دژ نالک خرم‌دین. چپ: نمای کلی اهر در بافت خرم‌دین بر فراز قلعه جمهور از حیثه جوی فاصله از نالک کیلومتری.

سایه و غیره. کوهانیها را که در دو برج طرفین دروازه مومن داشته‌اند منوج میکرده است. جایگاه کوهانیها در بلندی واقع است و بنا بر این بهر چیر و هر کس تسلط کامل داشته‌اند. این برجهای بزرگ و محوطه دیگری مدور و استوانه‌ای از سنگهای تراشیده با ملاط ساروج استوار شده‌اند. باروها که از نوعی سنگ خارا ساخته شده تمام درزه‌های کوهستان را بسته است.

درای نفوذ بداخل بنا بایستی حتماً از دروازه بگذریم و از کوهستان راهی برای ورود وجود ندارد. و مسائل قلعه کوب منجیب - آتش افکن و غیره را بدینجا راهی بوده و نه کارگر می‌تواند است.

هنگامیکه بارو را پشت سر میگذاریم برای ورود بقصر از راهی باریک تا حدود یکصد متر ارتفاع از سرخه بایستی صعود کنیم، از این راه فقط یک نفر میتواند پائین یا بالا برود.

و نیز این معبر و برگرد این ستیغ، درهای است با سنگی تنگ و عمقی تا ۲۰۰ متر که بصورت تیغه و دیواره تا فرود آمده ادامه دارد. در تکیه‌گاههای طبیعی این دیوارها و در چهار جهت بنا، چهار برج دیده‌مانی بصورت نیمه استوانه ساخته‌اند. اینها جایگاه کوهانیها و حراباتی است که تا گردن خود استوار کرده و جنبه‌ها تا کیلومترها دورتر از فراز کندها - دره‌ها و کوهانیها زیر نظر می‌گرفتند. پس از صعود از مدخل دیگری باین کوهانی تقریباً نامنظم عبور میکنیم: ابتدا به بنای قصر که دو طبقه و سه طبقه است بر میخوریم. طرفین مدخل قصر بوسیله دو ستون کاذب مشخص شده است. پس از آن تالار اصلی است که اطراف آن از حث اطاق فرا گرفته است، اطاقها بتالار مرکزی مربوط میشوند.

۱ - نیمه ستون که بدوایر کنه میدهد.

درجه شرقی قمر تأسیسات دیگری مرکب از اطاقها و آب‌انبارها ساخته شده‌اند. سقف آب‌انبارها، با طاق جناقی و گنجرهای استوار شده‌اند. درجه شمال غربی قمر از بلکانهائی سرسبزی که اکنون ویران شده و قسمتهائی از آن بیرون از خاک است به‌بخش رفیع بنا صعود می‌کنیم که مدخل آنرا ردیف بلکانها با دو نیمه ستون مشخص میکنند، در قسمت علیای این نیمه ستونها محلی برای دیده‌بانها جایزای شده

کاشی در نژاد

تبارک کاشی به‌منظور کشف آثاری از این بنا و شناسائی، در اواسط مردانه‌ها با استقرار دو چادر و سکونت به‌ختر کارگر حفاری در غلبد آغاز گردید. جائیکه هوا پیش همچون اوائل زمستان و متغیر است و چون قتل و کوهستانهای رفیعش تله‌ایست برای گرفتاری مهب غلیظ و آبدار که از ارس و غلظت برخاسته است. و بهنگامیکه به آشکار شد بناچار بپیش‌آتش افروخت و در جوار آن گرم شد.



راست: برج دهنه‌تانی مخروطی درازدک دروازه قلعه بزغرا صخره سنگی. چپ: سرد یکی از تأسیسات قمر با نمایش نیمه ستونها.



راست: چینه جنوی - لمانی اریبای سه طبقه قمر بابک نوردین مصالح از سنگ باعلافا ساروج. چپ: عمارات قصر که از بالا گرفته شده است.

و محدود می‌شود پس از آن که از چند بخش تشکیل شده احتمالاً جایگاه، سرایان بوده که بهمه چیز و هجا مسلط کامل داشته‌اند. از همینجا بوده است که بابک خرم دین قهرمان تاریخی ایران و یارانش بمدت بیست و چند سال عساکر عرب‌ها که بقصد محاصره و گوییدن جنبش او آمده‌اند در کوهها و کنگلهها سرگردان کرده و با شیبخونهای خود آنها را از دم تیغ گذرانده و بجزیمت وادارشان کرده‌اند.

کاشی در چهار اطاق قمر که با علامت C, B, A و D مشخص می‌شوند انجام گرفته. در اطاق C بلکالی از زیر خاک بیرون آمده که تالار اصلی قمر کشیده شده است. در اطاق D سکوتی نور مرکز اطاق تعبیه شده بود که از آن خاکبرداری گردید. تکنهائی از آلات و ابزار حرب آهنی که مرور دهور آهزارا یوسانیده در این محل به‌بخت آمد. وجود سفالینه‌های منقوش و لمانخورده که از بل خاکها بیرون آمده یکدوره استقرار را تا اوائل قرن هفتم هجری نمایش میدهد. سکه‌های

کشف شد که بهارهای از آنها بهمت سالی‌دگی و رنگه فراوان قابل خواندن نیست و بدین اینها سکه‌های مربوط با تاهکان آذربایجان و هزار اسپهان (قرون ششم و هفتم) هجری به‌بخت آمد.

بررسی و تحقیق در کیفیت ساختمان نشان داد که بخشهای فوقانی بنا یکبار دستخوش ویرانی شده و تعمیر ساختمان مجدد احتمالاً در قرون چهارم و پنجم هجری انجام گردیده است و ساکنان این قرون برای اولین بار در کشفندی اطاقها

آجر بکار برده‌اند، چه در بنای اصلی جز سنگ مصالح دیگری بکار نرفته است و قسمتهای تعمیر شده و دوباره‌ساز کاملاً خود را نمایش میدهند.

به‌منظور کشف مدارکی از قرون دوم و سوم هجری قسمتی از کف آجری اطاقهای D, C, A برداشته شد و حفاری در این قسمت ادامه داده شد. در اینجا بدنتورهای متعددی بر خورد شده که احتمالاً برای سربازان و بهنگام محاصره‌ها نان

دستن‌نویس علم و عمل بر اساس فطرت آثار هنر

دکتر جاوید فیوضات

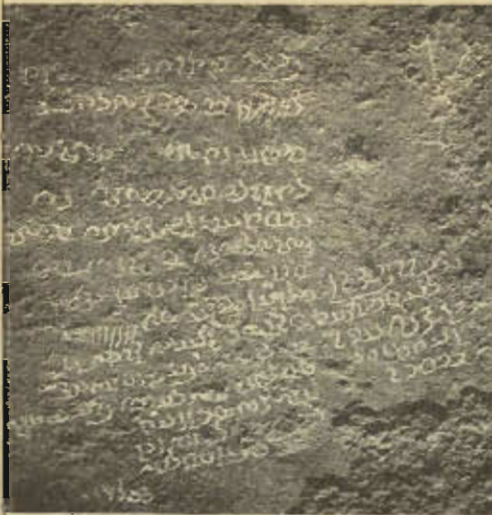
گذشت زمان همچنانکه دهن حیات افراد انسانی است دشمن انواع آثار هنری نیز عیبناهد. هرروز تعداد زیادی از آثار هنرمندان در معرض فساد هنری یا زوال ناگهانی قرار میگیرند. بعضی از این آثار ارزش آنها ندارند که مجدداً اصلاح و مرمت گردند ولی تعدادی نیز از شاهکارهای عالم هر بشمار آمده و شناسایی آنها دارند که از هیچ نوع کوششی برای اعادتوضع اولیه و حفاظت آنها خود داری نشود.

غالباً دیده شده است که کمترین غفلت یا اشتباه افراد بی تجربه سبب خسارت و زیانهای جبرانناپذیر میگردند از اینرو مناسبترین راه برای جلوگیری از اتفاقات ناگوار آشنا ساختن مسئولان و علاقمندان کارهای هنری بر موز این فن و شناساندن مواد و وسائلی است که امکان دارد این افراد بنحوی با آنها سروکار پیدا کنند.

در این سلسله مقالات سعی شده که با عبارات کاملاً ساده و دور از توضیحاتیکه صرفاً جنبه علمی دارد هر یک از مطالب لازم را بترتیب حروف الفباء بخوانندگان گرامی معرفی کرده و اسامی انگلیسی و فرانسه و در صورت لزوم اصطلاحات علمی آنها را نیز در هر مورد ذکر نماید. البته دربارهٔ اجسامیکه در کارهای هنری بیشتر مورد استفاده واقع شده و یاد و مرمت آنها سهم زیادتری دارند اطلاعات جامعتری در دسترس علاقمندان گذارده خواهد شد.

چون صفحات محدود مجله اجازه نمیدهد که تمام روشهای مهم و متداول را بعد کافی تشریح کرده و جزئیات هر یک را بتفصیل بیان نمود لذا باید نظر گرفتن اینکه جنبهٔ هنری «مرمت و ترمیم» بر جنبه علمی آن غلبه دارد فقط بذکر اطلاعات اولیه و لازم اکتفا مینماید زیرا ترمیم و اصلاح اشیا، وقتی ترمیمش و قرین موفقیت خواهد شد که هنرمندی ماهر و آشنا بر موز کار، اجرای آنها بعهده گیرد.

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که فساد هر اثر هنری از همان لحظه‌ای شروع میشود که آن اثر از زیر دست صنعتگر یا هنرمند خارج میگردد و اگر در نگاهداری و محافظت آن کوتاهی یا اعمال شود بزودی نابود شده و یا لاقبل به مرتب احتیاج پیدا میکند به همین جهت در عصر حاضر نگهداری آثار هنری و بطور کلی «رفتار» با آنها علم و دانش خاصی را تشکیل میدهد که جزئیات آن کاملاً مرسوم نشده است باین نتیجه اطلاعات قلبی و تجارب شخصی مسئولان و علاقمندان میتواند نقش بسزائی در «چگونگی رفتار» با اشیا، عتیق و آثار هنری داشته باشد. مطالبیکه از این شماره بنظر هنرمندان و خوانندگان گرامی میرسد از یادداشتها و مطالبات روزانه تعداد زیادی از کارشناسانی که در فن «حفاظت و مرمت» بهمیر و صاحب نظر میباشد استنتاج و جمع‌آوری گردیده و مجموع آنها میتواند بمنزله راهنمای (Hand book) کوچکی مورد استفاده علاقمندان قرار گیرد. مطالبیکه با علامت ستاره * مشخص شده‌اند بطور مستقل ذکر خواهند شد.



راست: نقش یکی از آب‌انبارهای قلعه بابک - بوخ طاق ضامی.
چپ: کلیه بیلوی مکتوفه در کنار رودخانه حیوا در نزدیکی مکتونبور.

تهیه مینماید است. در جوار همین تئورجیا سفالینه‌های بسیار زیبایی که مربوط به یرون سوم هجری است کشف شد. این سفالینه‌ها که بنمایها و کاسه‌هایی را القاء میکنند در کارهای لیه سوراخهایی دارند که سربازان پارسیانی بترک اسب خود می‌بستند.

با کشف این نوع سفالینه‌ها و همچنین شواهد تاریخی که از مورخان تازی و پارسی وجود دارد مسلم گردید که بنای موصوف (در بنا) یکی از جایگاههای اصلی بابک خرم دین قهرمان منی و دلاور آذربایجان است که در ۲۰۱ هجری بر علیه ساطق خلفای عباسی قام کرد و جشن ماندنهای بوجود آورد و بارها سپاه عظیم خلفای عباسی را شکست داد تا بالاخره عباسیان با ایجاد تفاق بین او و افشین سردار قهرمان دیگر ایران با جدعه و جنگ و خیانتی عظیم بر او دست یافتند و در ۲۲۳ هجری او را دستگیر و در بغداد ابتدا بقطع دست و پایش پرداخته و سپس اورا کشتند. معروفست بهنگامیکه یکی از دستهایش را قطع کردند خون بسورتنش میمالید و در پاسخ دستم خایسته عباسی که علت را جویا شد، گفت: بیورن خود را بخون می‌آلود تا نگویند رنگش از ترس و وحشت پرید.



فرسك دیواری که در نتیجه رطوبت آسیب دیده است

از خوانندگان عزیز تقاضا داریم در صورت مشاهده اشیا یا ارقام آذوقه مراتب را تلفظاً بدختر جمله یادآوری فرمایند.

موادی که برای تعمیر کردن آثار هنری بکار میروند:

آب (Bau-Water) آب خالص مایع است بیبو و بی رنگ و اگر مقدار آن زیاد باشد

برنگ آبی روشن مایل بسبز نظر میبرد. از نظر شیمیائی جسی است خنثی و حلال بسیار خوبی بشمار میآید. همیشه مقدار کم بازماند بصورت بخار آن در فضا باقی میماند و علاوه بر این در دیدگزیات اغلب گازهای مضر موجود در هوا مانند ایندیرت سولفور و راکه از احتراق سوختهای مختلف در فضا پراکنده شدهاند در خود حل میشوند. آب لولههای شهرها دارای مواد مختلفی است که برای آسان شدن یا سایر مصارف معمولی و خانگی زانخش میباشد ولی در بعضی موارد آزمایشگاهی یا صنعتی نمیتوان آنرا بکار برد. آبهای طبیعی معمولاً دارای مقادیر مختلفی از سنگهای نظیر سولفات کلسیم، بیکربنات کلسیم و بیکربنات منیزیم میباشد که سب سنگی آن شده و نه تنها برای آسان شدن بلکه برای شستشو نیز مناسب نخواهد بود. آنرا مایون در چنین جاهائی بویونی که نمیکند.

تهیه آب مقطر که ناخالصی آن کم باشد چندان دشوار نیست و در موارد لازم میتوان آنرا بقیمت مناسب از بازار خریداری نمود. آب بارانی که در ظرف چوبی تمیز جیب آبی ری شود بر آب شیر (آب لوله یا انبار) ترجیح دارد زیرا آب باران مانند آب مقطر است که فقط ناخالصیهای موجود در هوا را تا رسیدن بطرف چوبی با خود همراه آورده است و به علت آلودگی هوای شهرهای بزرگ و مناطق صنعتی بهتر است آب مقطر تهیه و فقط در هوای پاک و نقاط غیر آلوده از آب باران استفاده کرد.



تلفظ دیواری و وسایل برمت آن.

در اینجا اثر آب و سوختنی را که میتوان از آن استفاده کرد ذکر کرده و مواقعی را که بکار بردن آن زیادتر میباشد یادآوری می نمایم. بطور کلی استفاده از آب جز در مواردی که بمنظور زدودن سایر مواد شیمیائی بکار می رود از آن اجتناب از آن است.

برای تمیز کردن تابلوهای جلا دار میتوان از یک قلمه جیر نمناک استفاده کرد. اشیا چینی، بدلی چینی، سفالی و مرمری را میتوان با آب و صابون شست و اگر آب گرم باشد نتیجه بهتری عاید میشود. حتی الامکان باید آب جاری برای شستشو بکار برد. کاغذ معمولی آنرا جذب نمیکند ولی در این حالت در عوالم دستزین بان باید کمال احتیاط را مراعات نمود. اشیا فلزی را بعد از جیس کردن باید بدقت خشک کرد و قسمتهای آهنی را جرب کرد. اگر رطوبت وجود نداشته باشد آهن هرگز در هوا زنگ نمی زند، همچنین بدیده های الکترولیتی که سب پوسیدگی شدید اشیا فلزی دریل خاک میشود ممنوع بوجود رطوبت زمین میباشد. زایل شدن رنگها در اثر نور مخصوصاً وقتیکه مستقیماً در معرض نور آفتاب قرار گیرند مطلب است کاملاً روشن ولی اگر هوا کاملاً هاری از بخار آب باشد پدیدگی رنگ اشیا غالباً مشاهده نخواهد شد و بعضی اشیا اگر در محیط مرطوب در مقابل اشعه آفتاب قرار گیرند بزودی و باسانی بیرنگ میشوند. در حقیقت وجود رطوبت سب بروز خسارات فراوانی میشود که بطور یقین در حالت خشکی چنین آثاری هرگز ظاهر نمیکرد. رشد و تشو قارچها و موجودات ذره بینی مستکی بوجود رطوبت دارد زیرا تعداد خیلی کمی از این موجودات میتوانند برای مدت خیلی محدود محیط خشک را تحمل نمایند.

اگر اشیا قیمتی را که مدت مدیدی در زیر خاک مانده و سولج آنها از یک یا چند نوع نمک پوشیده شده باشد بدون رعایت بعضی نکات فنی از زیر خاک خارج کرده و در محیط نمناک قرار دهند بلافاصله از هم می افتند خصوصاً کاشیها و سفالهای لعابدار و بعضی اشیا شیشهای از این لحاظ بیشتر سدعه می بینند.

بوسیله تهیه خوب منکست رطوبت هوا را بیزار می‌کند. دادگه زبان آور نباشد. همیشه باید در چهار گوشه تابلوها نیکه بدیوار اساق میوه قلعان چوبینه‌ای کوچک قرار داد. تا فاسدکن برای جریان هوا بین تابلو و دیوار ایجاد کرد. در مناطق مرطوب بجای تهیه کمی کلروکسیل در فوطی گذارده و در وقتها قرار میدهند تا زیاد رطوبت را جذب نماید. اگر چه شیفته قاب نقاشیهای رنگه و روشنی از نظر منظره و چگونگی «دید» تابلو ایجاد مزاحمت مینماید ولی از این نظر که تا حدود زیادی مانع تأثیر مستقیم مواد مضر موجود در هوای آلوده شهرهای بزرگ است مفید میباشد. هرچوقت نباید تابلوهای ارزشدار را بدیوارها نیکه مستقیماً در معرض عوامل حیوی قرار دادند آویخت.

بعضی مواد بزرگت خیس میشوند و معمولاً رطوبت و آب بصورت قطرات کوچکی بر سطح آنها جمع میشود که دلیل آن از نظر فیزیکی مربوط به کشش سطحی است. میباید اگر کمی مایون یا آب اضافه شود اغلب اجسام بسبب کاهش کشش سطحی باسانی در آن خیس میشوند. نظیر همین پدیده در نقاشیهای آبرنگ و نقاشی آن مشاهده میشود. همین جهت هر وقت آب یا ک حالت «امتصاصی» نشان دهد و بصورت قطراتی که بعداً شکل لکه‌ها بخود میگیرد درآید قطرات از مادی مانند ممبرای گاوی که سبب کم شدن کشش سطحی میشود استفاده کرده و با افزودن مقدار جزئی از این ماده بمحلول آبرنگ، رفع اشکال مینماید.

اگر مایون درآبی باسانی نکند میگویند چنین آبی «سنگین» است و وجود ترکیباتی مانند نمکهای کلسیم و منیزیم در آب سبب سنگینی آن میشود. اگر قسمت اعظم نمکهای مضر از جنس یکرنگات باشد بوسیله جوشاندن، سنگینی آب مرتفع میشود زیرا فزاتات سنگین بصورت کریات (جرم کتری یا سامور) رسوب میکنند، سنگینی مربوط به سولفاتها (گچ) با افزودن کربنات سدیم (نمک قلیا) رفع میگردد. بطور کلی سنگینی آنها را بعلت وجود هر نوع نمکی که باشد منکست با افزودن پرموتیت (Permutit) (سیلیکات منوعی سدیم و آلومینیوم) از بین برد.

آب اکسیژنه (Eau oxygenée - Hydrogen peroxide)

معمولاً محلول آن در آب فروخته میشود. جسمی است اکسیدان و باسانی اکسیژن میدهد. همین جهت برای ضد عفونی و سفید کردن بکار میرود. غلظت آن بر حسب حجم اکسیژنیکه آزاد میکند تعیین میگردد. مثلاً آب اکسیژنه ده حجم میتواند ده برابر حجم خود اکسیژن دهد. برای اینکه خواص خود را از دست ندهد آنرا در شیشه‌های قهوه‌ای رنگ و در جای خشک نگهداری مینماید.

آبرنگ - (Aquarelle - Water-colour)

حل شده و بصورت محلول استعمال میشوند. آبرنگ معمولاً بدو طریق تهیه و ارائه میگردد. بشکل قابلهای کوچکی از رنگ و صمغ عربی یا بولونه‌های (Tubes) قابل انعطاف که رنگها با اضافه کردن کمی گلیسرین بصورت خمیر درآوردند. معمولاً سطح کاغذ نقاشی را قبلاً آب زده و محلول رنگ مورد نظر را روی آن میکنند. تعدادی از رنگها شفاف بوده و منکست آنها را چندین دفعه روی یکدیگر کشند. عده‌ای نیز مانند اکسید و رنگ (chinese white) کدر میشوند. نام‌های عبارت از کشیدن رنگهای شفاف بر روی رنگهای کدر میشوند. غالباً نقاشیهای آبرنگ را نمیتوان با موفقیت نیز نمود ولی با کشیدن قلعانهای از آن تازه میتوان آنها را بدون اینکه رنگ یا کاغذ آسیب برد تا حدودی تمیز کرد. استفاده از مداد یا کتان بعلت زبری خطرناک میباشد. بعضی اوقات رنگ قسمتی از نقاشی نیکه قاب چسبیده شده‌اند زایل میشود، این پیش آمد اغلب در اثر موادی است که از تجزیه چسب حاصل شده و بنور در زمان سطح قدامی کاغذ نفوذ میکند در چنین حالتی باید بلافاصله نقاشی را از قاب جدا کرده و آثار چسب را از پشت آن پاک کرد و اگر چنانچه با زهم فساد ادامه یابد باید اقدام



کارشناسی در حین مرمت یک نقاشی دیواری.

بلکه گیری نمود. در موقع لکه گیری قسمتی از رنگها آسیب دیده و محتاج روتوش میشوند. اینصورت باید توجه داشت که لکه گیری بتاحیه محدودی منحصر شده و روتوش را مشکل یا غیرممکن نسازد. محلول آب ژاول برای از بین بردن غالب لکه‌ها کافی است. رنگ آهن لکه حرک و حوهر را با اسید اگزالیک و لکه چربی را با بنزین (Benzene) و بنزین (Benzine) و پیریدین (Pyridine) پاک میکنند. این مواد را با قلم موی کوچکی بر لکه مالیده و پس از ختمه عمل بلافاصله آثار آنها را از محل لکه کاملاً میزدایند. این اقدام در صورت خرابیهای مواد چربی که اثر زبان آوری بزرگی یا کاغذ ندارند ضرورت ندارد و محالاً پس از لکه گیری بتدریج تخریب میشوند.

هرچوقت نباید قسمتی از نقاشیهای آبرنگ با اسامه نظائر آنها را خیس کرد و در صورت لزوم باید تمام اثر را در آب شاور و با غوطه‌ور گردانید.

نقاشیهای سوراخ شده را باید نامنتهای دقت و حوصله بطریق زیر مرمت نمود: در صورت امکان کاغذی از جنس کاغذ نقاشی شده و گره‌نگه کاغذی که از لحاظ رنگ مشابه آن باشد انتخاب کرده و قطعه مناسبی از آن بریده و روی سوراخ چسباند و پس از آنکه کاملاً خشک شد کنارهای سوراخ را باشت تاخن تمیز یا مداد پاک کن سائید تا تا زمانی آن بحد کافی برسد سپس ورقه نقاشی را برگردانید و نظیر همین اعمال را تکرار کرد. اگر بعد از ختمه کارها رنگ کردن آن با اشکال مواجه شود قدری آستات سلولز (فیلم بدون ماده حساس) زرد آستن به حل کرده و بر روی آن بپاشد با بوسیله برس برای آن میمالند. در صورتیکه نقاش ماهری آنرا رنگ نماید تشخیص قسمت وصله شده باسانی میسر نخواهد شد.

اگر تابلو آبرنگی را بوسیله روشن جلا لکه دار کرده باشند باید با الکل به اقدام رفع آن نمود و در صورت عدم موفقیت شاید بتوان بوسیله آستن به بدون احتمال خسارت لکه‌ها را پاک کرد. البته باید تا حدودی لکه گیری را ادامه داد که باعث سائیدگی عمیق با خرابیهای تابلو شود.

گاهی غوطه‌ور کردن آبرنگ در آب سبب سیلان بعضی رنگها شده و یا تا حدود زیادی آنها را محو کرده و از بین میبرد. عواملی که سبب چنین پیش آمدی میشوند بقدری متنوع و متعددند که ذکر اساسی آنها کافی برای مضمود نخواهد بود از اینرو آزمایش هر نمونه و داشتن تجربه بهترین وسیله موفقیت بشمار میآید.

بطور کلی مرمت و حتی تمیز کردن نقاشیهای آبرنگ کاری است دشوار و احتیاج به مهارت زیاد دارد. هر نوع اقدامی باید قبلاً بر روی نمونه‌های کم ارزش، آزمایش گردیده و در صورت اطمینان از بی خطر بودن آن، روی مدل اصلی اجرا گردد.

رنگابی به نقوش سفالی ایران

سیما کویان

ترجمه و تلخیص از کتاب سیلک پروفورگبر شمن

سیلک پنجم

سفال خاکستری تیره

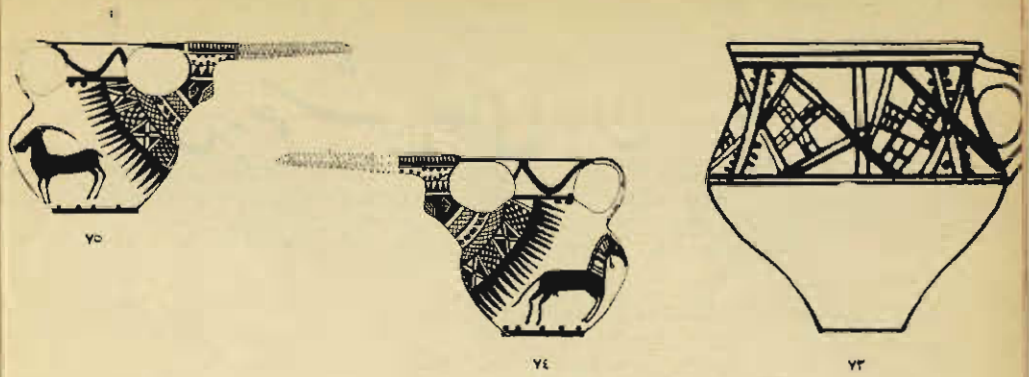
این سفال بچهار نوع مختلف ترین شده است :

- ۱- سفالگر قبل از پختن ظرف ، روی آن شیارهایی بوجود میآورد که بعضی اوقات نسبتاً عمیقاند و خطوط دایرهای یا خطوط عمودی ، خطوط موجدار و یا تائیدها را بوجود میآورند.
- ۲- شیارهایی که از قطعه‌های متعدد و خطوط شکسته تشکیل شده‌اند و پس از پختن ماده سفیدی در این شیارها قرار میدادند.
- ۳- پس از پختن سفال در موقع برق انداختن ، یکمک ایزاری که با آن برق میدادند روی ظرف در اطراف دهانه و یا بالای بدنه ظرف خطوط شکسته کوتاه و یا هاشورهای نقش میکردند.
- ۴- بالاخره روش آخر عبارتست از یک ردیف تگمه‌های رنگی که بصورت دایره‌هایی دور ظرف قرار میگرفت.

سفال مشقوش

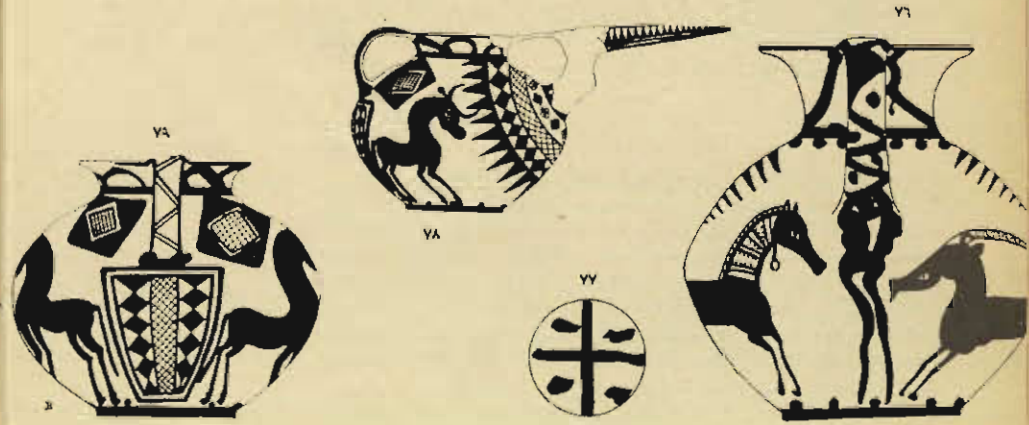
این نوع سفال بسیار کم‌یاب است و روی پخته باروش سفالگری این دوره هماهنگی ندارد. این سفال بادست ساخته شده است و خمیر آن خوب درست شده و متخلخل است و کم پخته شده و خیلی ترد و شکننده و رنگ آن زرد و نیز زرد مایل بسبز است. این تزیینات معمولاً لوزی (یا صلیب‌هایی که مرکز آن برنگ زمینه است) و یا شطرنجی میباشد و همیشه هاشور پر شده و در آن چندین خط موازی و یا شکسته کشیده شده است. این تزیینات خیلی ساده است و فکر در آنها کم. مثلاً روی یک فنجان رنگ مستقیماً فرار گرفته و کمی برجسته و شیشه‌ایست و صلیب‌هایی را تشکیل میدهند که بوسیله مرصهای یک اندازه‌ای از هم جدا شده‌اند (شکل ۷۳) یا دیگر گدای که ارگل قهوه‌ای رنگ ساخته شده بطرزی ابتدائی و نامنظم از رنگ قرمز پوشیده شده و در بعضی اقسامتهای آن اثر پهن قلم‌مو بخوبی دیده میشود و روی زمینه نقوش خاکستری رنگ اوزی ، شطرنجی و خطوط شکسته بچشم میخورد.





تمدن قیرستان ب

سفال منقوش - این سفالیا با چرخ ساخته شده ، خمیر آن کاملاً خالص و ب رنگ قهوه‌ای روشن یا مایل به زرد است و بخوبی پخته شده است . نقشها برنگ آجری متمایل به قرمز است و بدون لایه پوشاننده مستقیماً روی سفال قرار گرفته است .
 تزئینات این گروه بینهایت متنوع است . با وجودیکه نماد موضوعاتی که تزئین سفال را بوجود می‌آورد محدود است معذالک دو طرف که دارای کمپوزیونی کاملاً مشابه باشند میتوان یافت . خصوصیات مهم این تزئینات که آنها از تزئینات ظروف دوره‌های اولیه فلات مرتفع مشخص میکند عبارت از ترک کردن تقریباً کامل شوشبست که دایره‌وار دور تا دور ظرف میگردد



هنر ویرم

۱۴

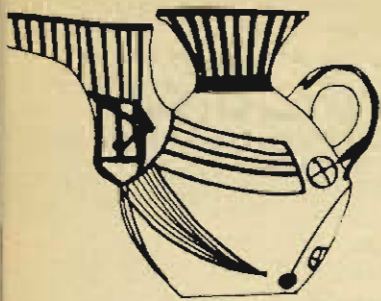


و همچنین فقدان مربعهای پشاندازه تکرار است . هنرمند سعی نمیکند بیش از چند از تزئینات استفاده کند ولی طرز قرار گرفتن نقوش کاملاً متوازن است .
 بر ارزش همین مجموعه این دوره نقشه‌هاست که حیوانات و انسان‌ها را نشان میدهد . معمولاً دو حیوان بارو بر روی هم و یا پشت بهم در دو طرف دسته در سطحی قرار گرفته‌اند که بر موقع ریختن مایع بیش از سطوح دیگر دیده میشوند . عمل ریختن مایع باعث فرم بخصوصی لوله پکندهی اشیاء میشود و فقط مقدار کمی مایع از لوله خارج میشود . در نتیجه نقش بدنه مدت طولانی‌تری در برابر نگاه قرار میگیرد . حیواناتی که نقاشی شده‌اند عبارتند از : اسبها (شکل ۷۴) بزهای گوهی (شکل ۷۵) گاو (شکل ۷۸) و (شکل ۸۰) قزاق (شکل ۸۴) و پرندگان (شکل ۸۶) . موجودات ترکیبی نسبتاً کمیابند و از تخم‌بار و مجموعه نقوشهای غیرنشانهای ندارند . بندرت اتفاق می‌افتد که هنرمند پنجاه یا بیست و یک زکوهی بویاست ، یا الهای راست یا خمیده اضافه میکند (شکل ۷۸) و یا به پنجه شیر حالت جنگالهای پرند شکاری را میدهد .

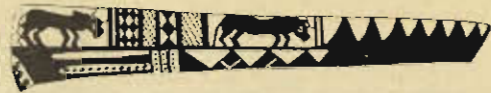


هنر ویرم

۱۵



۹۰



۹۱

بزرگی برشده‌اند (شکلهای ۸۰ و ۸۱) ظاهر میشود. شوشی که با خطوط منحنی کشیده شد، کنیاست و فقط نقش خورشید (شکل ۸۰) و دوایری که سلیس را احاطه کرده وجود دارد (شکل ۹۰).

لوله ظروف با کاملاً و با بوسیله یک ردیف مثلثاتی که رأس آنها بطرف بالاست و گاهی سلیسها (شکل ۸۰) و با حیواناتی (شکل ۹۱) بین آنها فاصله انداخته است از رنگ پوشیده شده است.

قطعه اتصال لوله به گرهه طرف همیشه دارای تزیینی فنی و گوناگون است که عبارتست از حلقه‌هایی که در آنها تماماً ردیفهای هاشوری، شطرها، لوزیها، شلرجیها و یا مثلثاتی که از رأس بهم متصلند قرار گرفته. این مجموعه با حاشیهای از مثلثهای طولیل خاتمه می‌یابد که هر یک نوعی گرد بند بوجود می‌آورد و بطرف حالت پرنده‌ای نوک دراز می‌دهد که دور گردنش یا بر تزیین شده است (تزیین ظرف شماره ۹۲).

در ظروفی که شروع لوله چهار گوش است قطعه اتصال لوله دارای تزیینی با چهار خانه‌های کوچک است که در مرکز آنها نقطه‌ای قرار گرفته (شکل ۹۳) و گاهی اوقات نیز بوسیله لوزی تزیین شده است (شکل ۹۴).

دسته ظروف و قتی که نوازمانده است از رنگ پوشیده شده و با بوسیله دو خط موج دار که تا ته ظرف بائین می‌آید تزیین شده است (شکل ۷۶)، بعضی اوقات دسته دارای تزیین در هم است، روی دسته‌هایی که لبه آن منحنی است تزیین عبارت از دوایر ریز است که در دو طرف خط پهنی قرار گرفته است (شکل ۸۱).

گردن ظروف بندرت پوشیده از رنگ است و معمولاً بوسیله خطوط موج دار و یا قطعه تزیین شده است. در قسمت ته ظرف تقریباً همیشه دایره‌ای وجود دارد که بوسیله سلیس قسمت‌بندی شده و در آن قطعه‌هایی قرار دارد (شکل ۸۳).



۹۲



۹۳

۹۴



۹۵

توضیح راجع به مآخذ تزیینات قبرستان ب کار آسانی نیست. سفال منقوش، دوهزار سال قبل از پیدایش تمدن قبرستان ب در سلیک ازین میرود و این چیز است که امکان یک تأثیر مستقیم غیر ممکن میکند علاوه ما قبلاً اختلافات بزرگی را که در آنها در موضوع، بلکه در اساس گسترش آنها روی سطح ظرف وجود دارد شرح دادیم. گمان می‌رود ظروف تزیین شده‌ای متعلق به هزاره چهارم توسط ساکنین جدید تپه جنوبی بهنگام کارهای ساختمان کشف شده و بعضی از موضوعات قدیمی ممکن است الهام بخش سفالگران این دوره واقع شده باشد ولی این تأثیر چون دارای حالتی انتزاعیت نمیتوان بستی بین سفال قبرستان ب و سفال دوره ماقبل تاریخ ایران را بوسیله آن اثبات کرد.



۸۷



۸۶



۸۵

روی این ظروف انسان بندرت دیده میشود و ما فقط دو تنگ سفال در دست داریم (شکلهای ۸۸ و ۸۹) که روی یکی سوارکاری بر اسبی بالدار و روی دیگر خدائی بین دو جنگجو نقش شده.

بدن و سر حیوانات از منبر کشیده شده فقط روی یک ظرف است که سر حیوان بعضی برگشته است (شکل ۸۷). بدنها با کاملاً رنگ شده و بعضی از قسمت‌های آنرا خالی گذاشته‌اند که حالت پوست بدن شیر و یا پراکهای تزیینی است (شکل ۸۴) را نشان میدهد. چشمها اغلب بفرم لوزی هستند و بندرت بفرم بیضی و یا دایره (شکل ۸۷) میباشد. شاخها یا از روی و (شکل ۷۹) و پایکی (شکل ۸۰) و پاهای آنها از منبر کشیده (شکل ۸۴) است.

روی این ظروف علاوه بر نقش حیوان شوش دیگری از قبیل مرغهایی که قسمت داخلی آن هاشوریت و لوزیها رویهم قرار گرفته (شکل ۷۹) و مرغهایی که بوسیله سلیس که مرکز آن بر رنگ زمینه است به چهار قسمت تقسیم شده‌اند و با نقش شلرجی یا هاشوری و یا فقط با شلرجی‌های



۸۹



۸۸

تاریخچه‌ی کتاب و کتابخانه در ایران

کتابخانه‌های ایران در قرن اول اسلامی

رکن‌الدین همامی تفرخ

نخستین کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران از طرف وزارت فرهنگ و هنر بنیادین و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران از طرف وزارت فرهنگ و هنر بنیادین هفت کتاب انتشار یافته است و اینک بخش دوم آن آغاز میگردد.

چنانکه در بخش اول این سرگشت، گذشت و در این بخش نیز خواهد آمد کشور ایران یکی از کشورهای انگلستانی است که کتابخانه‌های عظیم آن شهرت جهانی داشته است و آنچه نویسنده این مضمون را بدین تعلیم و تحریر و تألیف تاریخ کتابخانه‌های ایران برانگیخت انگار و فراموشی و بسیاری است که نویسندگان عرب و غرب را درباره کتابخانه‌های ایران دست داده است.

دانشمندان عرب درباره کتابخانه‌های اسلامی بطور اخصامی بدین تحقیق پرداخته و آثاری نشر داده‌اند لیکن با کمال تأسف و تأسف باید گفت در آثار خود متذکر کتابخانه‌های بزرگ ایران نشده‌اند و وجود آنها را در طی تاریخ گذشته ندیده و نشنیده گرفته‌اند.

محققان غرب نیز به پیروی از دانشمندان و محققان عرب هم‌جا با اختصار و احياناً بسکوت و خاموشی بر گزار کرده‌اند.

جرجی زیدان مورخ مصری که درباره ایران چهار کتاب تصنیف و تالیف کرده است و بیست و یک کتاب از کتابخانه‌های جهان بپای آورده نامی از کتابخانه‌های معروف پیش از اسلام ایران نبرده است بدین است او، نه میخواست و نه میتوانست چنین شاهمی دور از دست داشته باشد که با توفیق و بیان کتابخانه‌های عظیم ایران در دوران باستان و اهدام و نابودی آن بدست عمر خنینه اسلامی و سرداران او این ننگ و جشنتنگ تاریخی را بدست عرب محب بگذارند. غافل از اینکه حقایق تاریخی را هیچگاه نمیتوان مکث بگذارد و جهان را از آن بی خبر گذاشت. اگر اینگونه محققان کلبک‌وار سر بر دامان برق فرو برند و وقایع را ننگرند حقایق اگر از چشم ایشان منکوث باشد اما از دید جهانیان پوشیده و پنهان نمی‌ماند.

۱- نظر آن دور از حقیقت است زیرا که اینمستور علمای و دانشمندان همین سوره این معصیان خنک است.
۲- چهار

فرید و جدی عصری مؤلف دائرة المعارف اسلامی (۳) با آنکه در دائرة المعارف خود از کتابخانه‌های جهان یاد کرده و آنها را بر شمرده است لیکن متذکر هیچیک از کتابخانه‌های دوران پیش از اسلام ایران نشده است، این تجاهل و تعصب نه تنها دامنگیر محققان معاصر عرب گردیده با کمال تأسف و تأثر باید گفت که محققان و مورخان گذشته عرب نیز دستخوش این تعصب و تجاهل بوده‌اند مانند: ابن خلدون، ابن اثیر، بستانی.

محققان گذشته عرب همه معتقدند که تمدن اسلامی در علوم اعم از فقه و عقلی تکامل فکری و فقهی ایرانیان نمود یافته و رونق گرفته است، لیکن با یک چنین اعتراف باز درباره کتابخانه‌های ایران که مرجع مراجع دانشمندان و دانش پژوهان عرب هم بوده است خاموشی و سکوت را مرجع شده‌اند!

متأسفانه دیده میشود که ملل عرب زبان غالباً کوشیده‌اند از مفهوم واقعی اسلامی بدین خود من غیر حق و واقع سوء استفاده کنند و آنرا بنحوی خاص توجیه سازند می‌بینیم درباره‌ی از مواقع تمدن اسلامی، بصورت تمدن عربی تعبیر میشود و تغییر شکل و ماهیت میدهد و ملل خاص می‌کشوند تحت لوای این شعار از آن بهره برداری کنند. اینجاست که بر ما واجب است حقایق را بازگو کنیم و بیش از این سکوت را جایز نماند زیرا همین سکوت‌ها سبب گردیده که حتی دانشمندان غرب هم در اشتباه افتد و بسیاری از حقایق را از گونه در آفرینان نشان بدهند، همچنین که بر قسور ادوارد برون درباره کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام سخنی نگفته و سکوت گردانده است.

حقیقت اینست که تمدن اسلامی مدیون و موهون تمدن درخشان و پیشرفته ایران بوده است. مستشرق شهیر پرفسور اینوسترانسف (۵) در کتاب معروف خود نام تأثیر ادب ایران در غرب به تفصیل در اینمورد بدین تحقیق پرداخته و بنا بر این گفته بر آمده است.

گوستاو لوبون فرانسوی نیز در کتاب تمدن اسلامی صریحاً تذکر این نکات شده است مکث ممانند این حقایق و سکوت گذاشتن این دقائق درباره کتابخانه‌های ایران موجب شده است نویسندگان بیگانه از عین ریشه و عظمت نوع فکری ایرانیان غافل بمانند و گامیگاه مطالعی دور از حقیقت بنویسند. با بیان این مقدمه ارزش تحقیق درباره کتابخانه‌های ایران بر ما مشهود می‌باشد.

ایرانیان پس از تسلط اسلام در قرن اول هجری برای نجات آثار و اسناد و کتیبه‌های فکری و ذوقی خود بچاره پرداختند و نخستین گامی که در این راه برداشتند اختراع و استخراج خط فارسی از خط راس شهر به نام خط پیراموز بود. ایرانیها با این خط نو بنیاد نخست نوشتن قرآن پرداختند تا راه عبیب جوئی و مخالفت عربهارا بر این خط ملی ببندند زیرا سوراخ کردن قرآن پیام زندقه و کفر امکان نداشت. با این راه و با این چاره جوئی خردمندانه توانستند طی عسدت شصت الی هفتاد سال بروج خط پیراموز توفیق یابند و آنرا جزو خطوط اسلامی بشمارند. پس از اینکه خط پیراموز نام خط اسلامی پذیرفته شد و خوشبختانه ابتکار این مقله ایرانی با استخراج خط نسخ و ثلث از آن موجب گردید که اعراب نیز خط خود را از کوفی بدان میل سازند و با این ترتیب پیش از پیش خط پیراموز و نسخ تفسیح گرفت و کتابهای علمی و ادبی با این خط نوشته شد و میتوان گفت از آغاز قرن دوم هجری در ایران کتابهای علمی و ادبی نوشته شده است و کتابخانه‌ها بنیاد گردید. نزدیک به همین زمان است که در ایران پایهای حکومت‌های علمی نیز گذاشته شده است. طاهریان در خراسان و صفاریان و ساسانیان و دیلمیان در عجم حکومت ایران ظاهر شده‌اند. اینک به معرفی کتابخانه‌های این دوران می‌پردازیم.

۳- ضمن مقاله کتابخانه
۴- چاپ پارسورگ

در شرح حال حبیب‌الن اوس طالی معروف به ابی‌تمام که از شعرا ن شهر عرب است (ه) آمده است که (۶) بدعت عبدالله بن طاهر بایران آمد و چون آمدن او بازمستان سخت مواجه شد ناچار گردید که در همدان بماند. خود او میگوید که در همدان در منزل ابوالوفای طایفه سیر می‌پزید و در طی مدت اقامت در همدان از کتابخانه عظیم او استفاده کرده و کتاب دیوان الحماص را که در آن آثار سینه بن از شعرا ن شهر عرب را آورده تألیف کرده است.

قطلاً در کتابخانه ابوالوفای همدانی بیش از سیصد جلد کتاب از دیوانهای شعرا ن عرب وجود داشته است که این تمام نوشته با انتخاب از سیصد دیوان کتاب معروف خود را تألیف کند. علم است که قبل از سنه ۳۰۰ هجری کتابخانه ابوالوفای همدانی در همدان وجود داشته و همین قیاس میتوان دریافت که در دیگر شهرهای مهم ایران دانشمندان و معارف کتابخانه‌های معتبر و مهم داشته‌اند. خاصه در نخل و بخارا، مرو - نیشابور - قم - ساوه که این شهرها همه از مراکز مهم مذهبی نیز بوده‌است.

۳ - کتابخانه بهاءالدوله دیلمی

نوشته مقدسی در احسن التقاسیم (۷) بهاءالدوله دیلمی کتابخانه بزرگی داشته‌است و عظمت این کتابخانه را از اینجا میتوان دریافت که این ابواب معروف مدتها کتابداری آن کتابخانه را برعهده داشته‌است.

۳ - کتابخانه عضدالدوله دیلمی در شیراز

کتابخانه عضدالدوله دیلمی در شیراز یکی از بزرگترین کتابخانه‌های بزرگ و شهر ایران بوده‌است. این کتابخانه را باید نخستین کتابخانه‌ای دانست که کتابهای آرا بر حسب موضوع و نام و نام مؤلف طبقه‌بندی کرده و هر علم و دانش را در ابواب مخصوصی نگاهداری می‌کرده‌اند. برای هر علم و دانشی فهرستی بر اساس موضوع و نام کتاب و نام مؤلف ترتیب داده بوده‌اند. مقدسی خود این کتابخانه را دیده بوده است او می‌نویسد: در کتابخانه عضدالدوله از هر کتابی که تا آن زمان تألیف و تصنیف یافته بود نسخه‌ای نگاهداری می‌شد و کتابهایی نیز وجود داشته که بخط مؤلفان و مصنفان آن بوده است.

۴ - کتابخانه عمادالدوله دیلمی

از رضای روایت کرده‌اند که گفته است (۸) عمادالدوله دیلمی نیز در شیراز کتابخانه‌ای معتبر و بزرگی ترتیب داده بود که نزدیک کانه سلطنتی او جای داشته. با توجه باینکه عمادالدوله دیلمی از سال ۳۲۲ - ۳۳۸ در شیراز حکومت می‌کرده و فرمان میرانده است قدمت کتابخانه او نیز آشکار میگردد.

۵ - کتابخانه نوح بن منصور سامانی

دوستان سامانیان در ماوراءالنهر از حامیان و دوستاران دانشمندان و ترویج انبیا و فرهنگ فارسی بوده‌اند. این سینه در شرح حال خود شمعانی از عظمت و نظیری کتابخانه نوح بن منصور

۵ - برگرفته سال ۲۲۲ . ۸ . ق .
۶ - مقدمه دیوان ابی‌تمام . چاپ مصر .
۷ - ص ۴۸۹ - ۴۹۱ .
۸ - احسن التقاسیم مقدسی .

... سنی روزی از او (نوح بن منصور) دستور خواستم که کتابخانه‌اش را درم و آنچه از کتابهای بزرگ در آنجا هست بخوانم و مطالعه کنم ، پس مرا دستوری داد و برای من اندر شده که خانه‌های بسیار داشت و در هر خانه‌ای صندوق‌های کتاب بود که رویهم اباشته بودند ، در یک خانه کتابهای نازی و شعر و در دیگری فقه و حدیث و کوفه در هر خانه‌ای کتابهای دانشی ، پس بر فهرست کتابهای اوائل نگرستم و هر چه از آنها را که بدان نیاز داشتم خواستم و کتابهایی باقیام که نام آنها به بسیاری از مردم نرسیده بود (۹) .

این اصیغه در طبقات الحکما و این خلکان نیز از کتابخانه نوح بن منصور سامانی یاد کرده‌اند .

کتابخانه سامانیان شهرت جهانی داشته است . این سینه مدتها در آن کتابخانه بمطالعه پرداخت و همین موضوع دست‌آویزی بدست مخالفان او داد و برای آنکه این سینه را مهم‌سازند بکاری دست یازیدند که شیخ تر از آن تصور نمی‌آید و آن اینکه کتابخانه را با شش کشته‌دو معلمه حریق ساختند و شهرت دادند که این سینه بعمد و قصد کتابخانه را سوزاند تا دانشمندی که کدر آن بود دیگران بر آنها آگاه نشوند و آن علوم تنها بر این سینه مکتوف باشد ! !

۶ - کتابخانه صاحب بن عباد - در ری

در معجم الادباء (۱۰) و روضات الجنات (۱۱) و کتاب الفص (۱۲) درباره عظمت و بزرگی کتابخانه صاحب بن عباد شرح حال و مطالب جالبی آمده است .

صاحب بن عباد از وزرای کم نظیر و باندبیر ایران است که گذشته از کجاست و فرست مردمی داشتند و سخنوری هوشمند و نویسنده‌ای ارجمند بوده است .

مشقات صاحب در بیان تالی از نظر فصاحت و بلاغت در ردیف آثار برجسته و نمونه زبان نازی است .

صاحب بن عباد ضمن توصیف از کتاب الاغانی ابوالفرج اسفغانی می‌نویسد :

«در کتابخانه‌ام یکصد و هفتاد هزار جلد کتاب تقییس دارم ! ! لیکن آنگاه که کتاب الاغانی را بدست آوردم از خواندن کتابهای دیگر بازماندم» .

این خلکان از نامه‌ای یاد میکنند که نوح بن منصور سامانی برای صاحب بن عباد فرستاد و او را برای وزارت خود ببخارا خواند ، صاحب بن عباد که بترک ری علاقه‌ای نداشتند است

بنام عذرخواهی برآمده وطنی نامه‌ای بمعاذیری متعدد موصول و متعذر میگردد و از آن جمله می‌نویسد «من بدون کتاب نمیتوانم زندگی کنم و باید کتابخانه‌ام را هر جا هستم همراه داشته باشم .

در حالیکه برای حمل کتابهایم حداقل چهارصد شتر لازمست و این مقدار شتر در دسترس نیست» .

برای این کتابخانه عظیم فهرست جامعی نیز ترتیب داده بوده‌اند که خود شامل ده مجلد می‌شده است .

صاحب بن عباد این کتابخانه یکصد و هفتاد هزار جلدی را وقف عام کرده بوده است . یعنی آثار کتابخانه عمومی اعلام کرده بود ، بعدها این کتابخانه چنانکه خواهیم گفت پایه و مایه کتابخانه عمومی شهر ری گشت و بنام دارالکتب ری شهرتی عظیم یافت و مناسفانه دچار سراسر نوشت

کیت باری شده که در صفحات آینده جگوتگی آنرا خواهیم گفت .

۹ - بوریجا ص ۶۵ .
۱۰ - ص ۳۱۲ .
۱۱ - ص ۲۷۸ .
۱۲ - ص ۱۱۲ .

ترکمنهای ایران

(۲)

هوشنگ یوزکریم

زانتسارات اداره فرهنگ عامه

درمقاله «ترکمنهای ایران» که در شمارهٔ چهارم و دوم مجلهٔ «هنر و مردم» به طبع رسیده بود، اردیبهشت ۱۳۶۷ اینجه‌برون نیز که در «دشت‌گرمگان» (ترکمن صحرا) و کنار رودخانهٔ «انزک» قرار دارد توصیفی شده بود. اینک درمقالهٔ حاضر پس از مقدماتی دربارهٔ دین و مذهب مردم اینجه‌برون و طایفه‌های دینی و مساجد آن، موضوعهای زیر هم به ترتیب توصیف خواهد شد:

مراسم مذهبی - مراسم تدفین و سوگواری - تقسیم ارث و تقابل طایفه بر زمین - زیارت اهل قبور، قبرستان و سنگ قبرها - امامزاده و معتقدات عامیانه.

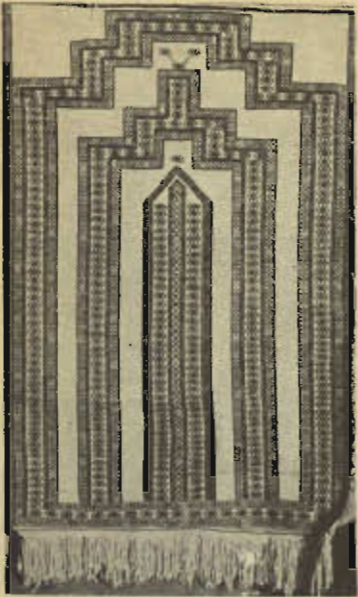
اینجه‌برونها نیز مانند ترکمنهای دیگر ایران، مسلمان و حنفی‌مذهبند. در دهستان يك «آخوند» و هشت ده طایفهٔ علوم دینی و سه مسجد دارند. یکی از مسجدها را که در وسط آبادی است، مسجد یلیمه - Yolme می‌نامند. زیرا، مردم طایفهٔ یلیمه که یکی از نه طایفهٔ اینجه‌برون‌اند آنرا ساخته‌اند.^۱ این مسجد، در کنار قدیمی‌ترین مسجد اینجه‌برون که کوچک بود و اینک خرابه است ساخته شده. قسمتی از این مسجد خرابه‌ها یکی از کاندازهای ده باگمی مرمت به ایثار اشیا، دکان خود تبدیل کرده است.

پیشتر مسجد یلیمه، «ملا نظر» است و از همان طایفهٔ یلیمه، او پیش از مرگ یکی از آخوندهای قدیمی نامدهی درمکشش درس می‌خوانده است. ولی بعد از مرگ آن آخوند و پیش از آن که خود به حلقهٔ آخوندی برسد، از درس و دفتر چشم پوشیده و به همان مقام ملائی قناعت کرده است.^۲

هشت ده طایفهٔ سن و سال اینجه‌برونی، با درخت‌های دینی «گبد کاووس» درس می‌خوانند و یا در «گومیشان - gomishân»^۳ در گبد کاووس و گومیشان و در چند مرکز

۱- نام هشت طایفهٔ دیگر به این شرح است: «گرمسالی - goz mamadi»، «شیر منلی» - shir mamadi، «گوک - gwok»، «مشوی - saqui»، «حیبالی - habibi»، «مدداق - mamad alaq»، «دوینچی - dovanci» و «کسرتق - kasarqa». این نه طایفه در اینجه‌برون روحم سدو مقنات و پنج خانوارند.

۲- ترکمنها، آن همه از طایفه‌های علوم دینی را که هنوز اجازهٔ نامهٔ آخوندی نگرفتند «ملا» می‌نامند. ۳- شهر کوچک «گومیشان» یکی از قدیمی‌ترین مراکز جمعیت ترکمنهای ایران است. این شهر در ساحل شرقی دریای خزر (در کنار صحرا) و کنار تپهٔ باستانی «گومیش تپه» (جزیرهٔ مایق «آسکون») قرار دارد. ترکمنها به علت سکتهای گرمی که سابقاً مرآتجا یافته می‌شد، آنرا «گومیش تپه» نامیده‌اند و نام شهر کوچک «گومیشان» را هم از کلمهٔ «گومیش» (گرم) اخذ کرده‌اند.



راست: دورنمای یکی از مساجد اینجهایرون.
چپ: سجاده گلیم بافت، درازا بیشتر از یکمتر.



راست: رجب آخوند و خانواده اش
چپ: «قارلی ملا» یا اینجهایرون

«رجب آخوند»، روزگاری که خودش طلبه بود، در نزد «گوک آخوند - gwk axund» درس می‌خواند که نزدیک به سی سال پیش مرگ «گوک آخوند» که در همین اینجهایرون آخوندی می‌کرد عزت و احترامش زیاد نبود. او در یکی از مدارسهای دینی «خیبده»^۵ درس خوانده و از آنجا اجازه نامه آخوندی گرفته بود. اینجهایرونها، علاوه بر «رجب آخوند»، «قارلی ملا» هم دارند که در مجالس سوگواری برایشان قرآن قرائت می‌کند. ترکشها، هر کس را که از مدارس دینی برای قرائت قرآن اجازه نامه گرفته باشد «قارلی» - qarli می‌نامند. قارلی ملای اینجهایرون، پسر مرد وارستگی است که کمتر کاری به کار دنیا دارد. او ضمناً پیشمار یکی از مسجدهای اینجهایرون

۵ - «خیبده» - xive که آنرا «خیبوز» هم می‌نامند، یکی از شهرهای تاریخی حوزه رودخانه جیحون است. این شهر ترقی چشم و نیم مهندسی مرکز کاروان، «دادوسند» «خوارزم» بود. زوفا، قاضی‌مانی که از آسیای شرقی به این شهر وارد شده، مال‌التجارهای چینی و هندی خسویرا در آنجا به کاروانیانی می‌رساند که از خوارزم به موصلی و «نگاه» می‌رفتند و آن مال‌التجارها را «تجار دولتی» که به آن حوالی می‌آمدند معامله می‌کردند.
۶ - «قارلی» - قاری. قرآن خوان.

جمعیت دیگر ترکمنهای ایران، برادر جوانان ترکمنی که طالب علوم دینی هستند، مدارسهای دینی دایر است. مدت تحصیل در این مدارسها به استعداد و کوشش طلبهها بستگی دارد و ممکن است از پنج شش سال تا سی سال هم طول بکشد. هر یک با چند طلبه، وقتیکه از مدرسه فارغ التحصیل می‌شوند، ضمن اخذ اجازه نامه آخوندی، جشن مغفلی برگزار می‌کنند که همراه با سرور و شادمانی شومی مردم بی پر شور و هیجان می‌شود. طلبه‌های کوچکتر اینجهایرونی که دست و اندریشان از کلیات کاوروس یا گویستان کوتاه است و توانایی پرداختن حتی هزینه مختصر تحصیل در مدارسهای دینی آنها را ندارند، در اینجهایرون و در نزد یگانه آخوند نه درس می‌خوانند که «رجب آخوند» نام دارد و پنجاه و هفت هشتاد ساله است، پاریش و مستاری سفید. «رجب آخوند» ضمناً یکی از پیشماران دهکده است که کثرت وزر هم می‌کند و در مکان کوچکی هم دارد. پیش از آن که دستن دولتی اینجهایرون دایر شود، کار رجب آخوند پر رونق بود. او به خرما سالان و جوانان دهکده، مالی و احکام دین و قرائت قرآن و زبان عربی می‌آموخت. ولی بعد از تأسیس دبستان دولتی، مکتبخانه را به درکان تبدیل کرد.

۷ - دبستان اینجهایرون، حتی کلاسی و جدول وجهه دایم آموزش بر دارد و دو آموزگار این شاگردان را با خود مطابق دروس می‌برد.

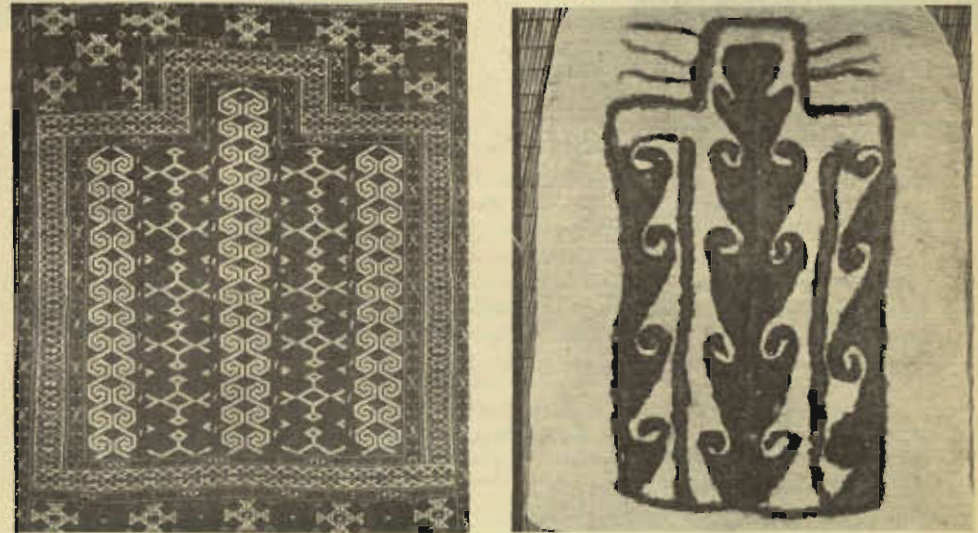
است که مردم دو طایفه دیگر اینجهیرون آنرا ساخته‌اند. ولی چون قارلی ملا خیلی پیر شده است وقتی نتواند مرتباً برای نماز در مسجد حاضر شود، دو نفر از ملاهای کم سن و سال ده که هنوز بر بازنگردانند بجای او در آن مسجد پیشواز می‌شوند، گاهی این و گاهی آن.

یکی دیگر از سه مسجد اینجهیرون، در انتهای غربی آبادی است که فقط ماههای رمضان در آن جمع می‌شوند و نماز می‌گزاردند. زیرا پیش نماز آن مسجد وقت نهمه‌شی از خانوارهای دوروبر آن، ده دوازده سال پیش، بسطت کم‌آبی رودخانه «اترک» بدحکده‌های دیگر و یا به «گبدکاووس» مهاجرت کردند^۶ و اینک مردانی که خانه‌ها یا الاچیقهایشان در حوض و جوش آن مسجد است، نماز ماههای غیر از رمضان را در خانه و یا در مسجد بنه‌می‌خوانند.

اینجهیرونها، هر سه مسجد خود را با گلیسها و سجاذهای نمدی پوشانده‌اند. این سجاذهها را که فقط به منظور نماز گزاردن ساخته می‌شود «نمازلق» - *namázlaq* «می‌نامند. بعضی‌ها در خانه‌هایشان سجاذهای قالبی‌بافت هم دارند که از قالبیهای کوچک ترکمنی هر کجکتر است و یا ساسی جمع می‌شود و البته معمول کار زنان و دختران قالبی‌باف اینجهیرونی است.

۷- در میان اینجهیرونها که در آن سالها از اینجهیرون مهاجرت کرده بودند، عفت عت ملاچند آخوند هم بودند. از جمله «قلینجان آخوند» - *qolishjan áxund* «گمدھا» حاجی قلینجان آخوند شد و حالا در گبدکاووس است. و «اوستا آخوند» - *ostá áxund* «کندر بگکه» بریس تروان» واقع در حره» گبدکاووس» آخوندی می‌کند.

راست: سجاده نمدی، درازا در حدود یک متر. چپ: سجاده قالبی‌بافت، درازا در حدود یک متر.



خروردم

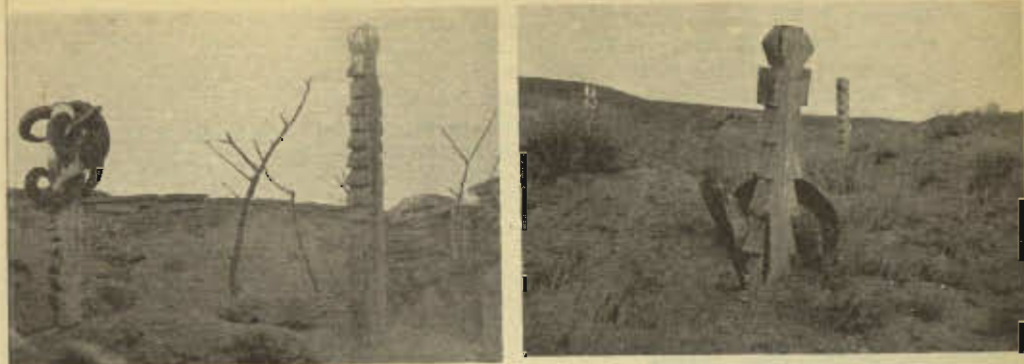
اینجهیرونها نماز مسج را که «ارشی نماز» - *erri namáz* «می‌نامند. چهار رکعت می‌خوانند، دو رکعت فرض و دو رکعت سنت. به نماز طهران که آنرا «آل نماز» - *wla namáz* «می‌نامند، علاوه بر چهار رکعت کهه قیرض است، شش رکعت سنت نیز می‌افزایند. نماز عصر را «ایکینی نماز» - *ikkini namáz* «می‌نامند که همان چهار رکعت است، مگر این که بخوانند رکعتی هم «نافله» بخوانند. نماز نافله را که البته واجب نمی‌دانند، هر چند رکعت که بخوانند به هر يك از نمازهای پنجگانه می‌افزایند. نماز مغرب را «آفتاب نماز»

راست: برای تسلیم گونی و دلجویی مساجدان برای و برای قرآن خوانی در حلقه خانه‌ای که برده در آن زندگی می‌کرده است گرد آمده‌اند. چپ: سنگ قبر از قبرستان اینجهیرون با طرح مهم از نقش شاخ قوچ یا ارتقای لرغیمی نیم متر.



áshám namáz «می‌نامند که پنج رکعت است، سه رکعت فرض و دو رکعت سنت. در نماز شش که آنرا «یاستی نماز» - *yásti namáz* «می‌نامند، علاوه بر چهار رکعت که فرض است، ده رکعت سنت و سه رکعت نماز «وتر» هم می‌خوانند که رویتیم سه رکعت می‌شود. در ماههای رمضان، به نماز عشا، علاوه بر این سه رکعت که معمولشان است، بیست رکعت نماز «تلاویج» هم اضافه می‌کنند که البته در فاصله هر چهار رکعت از این بیست رکعت، دعای «سبحان الملکوت، سبحان ذی العزّة والعظیمة والقدرة و...» را می‌خوانند. برای برگزاری نماز عید فطر و نماز عید قربان معمولاً به مسجد «گبدکاووس» و یا «گومیشان» می‌روند.

خروردم



بعضی از ترکمنها شاخ قوچ را عمده آبروی قیر می گذارند. بهمنیوم اینکه صاحب قیر معتقد و دارا بوده است.

مراسم مذهبی :

ماه رمضان را اینچهرونیهها با روحانیت مخصوصی می گذارند. در این ماه که باید روزه بگیرند، معمولاً بیشتر از هر وقت دیگر به مسائل و موضوعهای دینی متوجه می شوند. مثلاً سعی می کنند که همه نمازها را با جماعت در مسجدها بخوانند.

چند روز پیش از ماه رمضان، هریک از خانواددهائی که بالنسبه مرفه اند، برای گوسفندی را برای خیرات سر می برند و جمعی از همسایگان و خویشان خود را به آنگوش دعوت می کنند. در این عواید، معمولاً فقط مردها دعوت می شوند و برای زنان و کودکان هر خانواددهی مقداری آنگوش جداگانه می فرستند. بعضی از مردان، گاهی در یک روز بچند خانه که در آنجاها خیرات شده است دعوت می شوند و هر خا در کنار جمعی از مردان دیگر بدور نان و آنگوش جمع می شوند و هر چند نفر از یک طرف و پانکی دو قاشق چوبی که دست بدست می گرد غذا می خورند. اینچهرونیهها، خیرات و مسرات را «الله یلر» می دهند و با همین علت درشهای ماه رمضان معمولاً بعد از صرف افطار هر ده یارده امر درخانهائی که در آنجا خیرات شده است برای آنگوش خوری و معاشرت جمع می شوند. در این شبشینیها هریک چنانکه معمولاً عادت دارند برای استراحت بیشتر به پشتیبا تکیه می دهند و پاها را بفراحتی دراز می کنند و آنها که به «ناس» «ناس» «متاهند در حین صحبت از قوطیهای مخصوص «ناس» که همواره با خود دارند اندکی «ناس» به زیر زیانتان می ریزند.

در شب بیست و هفتم ماه رمضان که آنرا «شب قدر» یا «قدر کج» - «qadar gja» می دانند، تسبیح پشتبانیسی و دعاخوانی و شیرینی خوری می گذارند و فقط بعد از سحری خوردن و نماز خواندن به پستی می روند.

۴- «ناس» مخلوطی است از «برگ تناکو» و «رونیج» و «خاکستر احاق» که میسازند. ترکمنها «ناس» را خودشان درست می کنند و بیشترشان بدان معنایند.

هر خانواددهی قطریه سرانه خود را در خلال ماه رمضان به مستندان می دهد. قطر بمعنی بیخ «گروان» گندم و به گروان جو و یابونی معادل آن است. چنانچه خانواددهائی نتوانند در طی ماه رمضان قطریه خود را بدهند، در روز عید قطر خواهند داد. در عید قطر، بعضی خانواددها، آنگوش می برند و خیرات می کنند.

اینچهرونیهها، عید قربان را که برزوقترین عید میسازان است، سه روز جشن میگیرند. روزهای دهم و یازدهم و دوازدهم ماه ذیحجه - خیرات می کنند. پیش از ظهر اولین روز عید قربان، برخی از خانواددهای اینچهرونی گوسفند قربانی می کنند و گوشتش را برای خانواددهای دیگر می فرستند و ولی هیچیک از اینچهرونیهها تاکنون نتوانسته اند به حج مشرف شوند.

پیش از رسیدن عید قربان، همه خانواددهای اینچهرونی، خانهها و آلاچیقهاشان را روغتیروپ می کنند. همه سعی دارند که خانه و اثیبا، زندگیشان تمیز شود و جامههای نو بیاگیرند و پوشند و در خانه خود مقداری نقل و نبات و شیرینی بگذارند تا آن کسانی که به دیدن آنها می آیند پذیرائی کنند. در دیدوبازدیدهای عید قربان، البته آنها که کمسالتند ابتدا به دیدن سالمندان می روند و بهیم تبریک می گویند و آرزو می کنند که سال خوش و پربیرکتی داشته باشند. در همین دیدوبازدیدها، چنانکه معمول است، تقار و کدورتها را هم از میان می برند و بد و خوب رفتارشان را بهم می بخشند.

۹- «گروان» - «gervân» معادل چهارصد گرم.

۱۰- در سالهای اخیر معمول شده است که در عید قربان به تقلید از عید نوروزی که ابدأ نمی شناخته نقل و شیرینی جلو میسازان بگذارند. زیرا ناده یازده سال پیش باکاب و آنگوش از میسازان پذیرائی می کردند.

رامت : سنگ قبر ملیم از شاخ قوچ. از قبرستان دهکده «کورنگ - کالیوش» واقع در مغرب «بخورد» که روزگاری معبر ترکهای «گرایلی» (یکی از اقوام ترک آسیای میانه) بوده است. جب : نقش شاخ قوچ بر سر ستون یکی از خانههای ترکمنی.



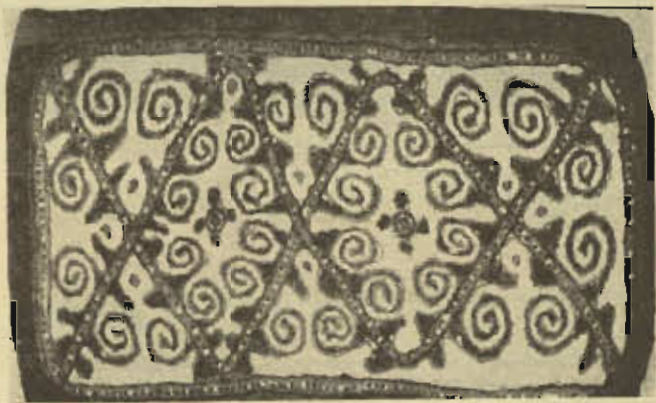
عمر و عمر دم

عمر و عمر دم

درسه روز عید قربان، پسران و دختران اینجه‌رونی، هر روز درجائی دورتر از خانه‌ها و آلاچقهای ده، با جامه‌های نو و پاکیزه می‌پوشند، به‌شادمانی جمع می‌شوند و با چند تیر خوب و قطعه‌ای ريسان تاب دوست می‌کنند و تاب می‌خورند و پسران در این جمع با دختران آمیخته‌اند.

گویا این جشن کوچک نوجوانان، نشانه‌ای از یک جشن بزرگ و قدیم طایفه‌های ترکمن باشد که منع یا ممنوع شده است. ولی شکل منع شده آن بصورت تاب‌بازی و جشن شدن پسران و دختران، درینا عید مذهبی قربان دوام آورده است.

اینجه‌رولیها نیز مانند ترکمنهای دیگر وقتی که بهین شصت و سه سال برسند (سن بغیر سن) جشن می‌گیرند و آنگوشی می‌زنند و جمعی را به آن دعوت می‌کنند. یا گوست بز



نقش شاخ قوچ بر روی یک بند ترکمنی که در حدود دو متر درازا دارد.

و بزغالغی را که ممکن است به این مناسبت قربان کرده باشند، در میان چند خانوار دیگر تقسیم می‌کنند.

عرام ترفین و سوگواری :

مردم در درختان یا آلاچیق می‌نشینند. مرده‌سوی‌خانه و مرده‌سوی ندارند. هر کسی ممکن است پیش بیاید و از سرخیز و در راه خدا مرده را بپوشد. بدهم، با نظارت آخوند یا پشمسازان، مرده را کفن می‌پوشانند و با نردبه‌بان و یا با هر وسیله دیگری که بتوان مرده را با آن حمل کرد، او را به جای کشانتمی می‌بردند و روی بقبله - تقریباً جهت شرقی - غریب - می‌گذارند و برایش نماز عیت می‌خوانند. یکی از خوبشان مرده، یا یکی از پشمسازان، یا آخوند دهکده، پیش‌نماز می‌شود و دیگران در سه صف یا با هفت صف پشت سر او نماز می‌گزارند. و بعد، همه‌شان «الله رحمت... الله رحمت...» می‌فرستند. آنوقت، ده دوازده نفر از میان این جماعت مرده را بلند می‌کنند و به قبرستان می‌برند و بقیمه بخانه یا آلاچیقی که مرده در آن زندگی می‌کرده است بازمی‌گردند. آنجا، دو درون یا بیرون خانه، بر روی بندها و گلیمهای گسترده می‌نشینند و با قارلی ملایه برای مرده قرآن می‌خوانند. آن عددهای که مرده را به قبرستان می‌رسانند، با کمک همدیگر، قبری برایش می‌کنند و او را روی بقبله درون قبر می‌جوابانند.

آخوند یا یکی از ملایه‌ها سورة «اشراح» را بر تکه کاغذی می‌نویسد و پیش از آن که قبر را بپوشانند، آن کاغذ را بر برابر چهره مرده پدیدوار قبر می‌آویزند. به این نیت که وقتی مرده برای سؤال و جواب بیدار می‌شود، پیش از هر چیزی چشمش با این سورة مبارکه بیند. بدهم، روی قبر را با نی می‌چینند و روی نی‌ها را با خار و بوته‌ها می‌پوشانند تا خاک کپالی را که بر روی قبر می‌ریزند بستر و روی مرده لرزد.

در همه این احوال، سالندان، به عزیزان و بستگان مرده که در این مصیبت بی‌تابی می‌کنند، تسلیت می‌دهند و از آنها دلجوئی می‌کنند تا سیر و تحمل بیابند: «... بعله این آخر و عاقبت همه‌مات... همه رفتی هستیم...» و از این حرفها...

وقتی که آن ده دوازده نفر از بجا شمردن مرده فارغ شدند، به دور قبر می‌نشینند و دعا می‌خوانند و بر آخر دستی بر روی وریش خود می‌کنند و «الله رحمت... الله رحمت» گویان قبرا را می‌کنند و به تزیین جماعتی بازمی‌گردند که در خانه به قرائت قرآن مشغولند.

همان روز چند نفر از خوبشان مرده‌کسانی را به آبیاری اطراف می‌فرستند تا خیر مرگ او را به بستگان و اقارب طایفه برسانند. صبح فردای آن روز، از هر سو جماعتی پیاده یا سواره به «اینجه‌رونی» می‌آیند و هر کدام با اعدایائی از قبیل: کله قند، چند متر پارچه، بز و گوسفند یا بره‌می که با خود آورده‌اند به خانقاهی که مرده در آن زندگی می‌کرد می‌روند و مجلس قرآن خوانی و دعا خوانی ترتیب می‌دهند. هر یک از مهمانان که از راه دور یا نزدیک برای تسلیت گوئی و دلجوئی صاحبان عزرا آمده‌اند، و همچنین اینجه‌رونیهای که در این مجلس حاضر شده‌اند، در حین قرآن خوانی با قوری چای و بیالغی جداگانه پذیرائی می‌شوند.^{۱۱} نزدیک ظهر، بساط

۱۱- این سورة از «بسم الله الرحمن الرحيم» «التم» «نشریح» «الله» «مدرک» و «و شمعانک» و «زرک»...» می‌نویسند.

۱۲- در چنین مواقعی، خانوارهای دیگر اینجه‌رونی، که هر یک هفت هشت توری و بیاله در خانه دارند، قوریا و بیاله‌های خود را به صاحب عزرا عاریه می‌دهند. به علاوه زنان همسایه در تهیه چای و پختن نان و غذا به زنان خانواده عزادار کمک می‌کنند.



ساختمان امامزاده دالغند



راست : زبان لارا و هرزلیکه نذر و نیازی داشته باشد ، تریشه پارچینی را
بافتند و چون کما امامزاده دخیل مرتند ، گاهی از یک قطعه ترکه
ویک تکه نع ، کمانی می سازند و شاخه آن درخت می آویزند .

بالین : زبان اینچه بروننی هم به جامه ها و کلاه مردگان خود دعا و عیالنی
می دوزند .



تقسیم ارث و تملک طایفه یزعیان :

اموال مرده را در روز هفتم مرگ او بین ورثات تقسیم می کنند . و سبله های زندگی
و خانه یا آلایق و دامها ، همانطور که در شرع اسلام تعیین شده است تقسیم می شود : یک هفتم
بزن می رسد و بقیه هم به اولادان ، هر اولاد ذکور دو برابر هر یک از انثا . و ثلث زمین کشت شده
اورا ، تا برداشت محصول ، فرزندان خانواده و باینکه از بستگان مرده نگاهداری می کنند و بعد هم
مطابق معمول خودشان زمین را به طایفه بازمی گردانند . زیرا ، اراضی اینچه برون و جندکده که
دیگر اطراف آنرا سه طایفه ای که افرادشان در اینچه برون و در آن چند دهکده دیگر بر سر میزند
متعلق به خود می دانند . در این شیوه تملک ، زمین متعلق به طایفه است و همه اعضا ، طایفه با حقوق
برابر از آن بهره مند می شوند و حتی قطعه ای از اراضی را به عنوان یک ملک شخصی به کسی
نمی دهند . از این روی ، مزارع به قطعات برابر از جانب طایفه برای یک یا چند سال تعیین یا افراد
طایفه واگذار می شود . باین سبب است که هیچوقت از پدیری به فرزندانش زمین به ارث نمی رسد
و هر فرزندی - پسر - وقتی که مستقل از پدیر به معیشت پرداخت ، به اندازه هر فرد دیگر مایه اش
چند قطعه زمین برای کشت و وز از طایفه می گیرد .

زیارت اهل قبور ، قبرستان و سنگ قبرها :

اینچه بروننها ، روزهای جمعه ، در قبرستان ، بزیارت اهل قبور می روند و برای
شادی و دستگیری روح مردگان خود فاتحه می خوانند و خیرات و مسزات می کنند . قبرستان را
در شمال غربی آبادی قرار داده اند . کمی دورتر از خانه ها و آلاچینها ، در اترا و . بعضی از
قبرهای قدیمی سنگ نوشته دارد و بعضی ها باینکه آجر یا تکه چوبی نشان شده و بقیه بی نشانه
است . بر سنگها ، نام صاحب قبر . نام پدر و نام طایفه و تاریخ مرگ ترا نوشته اند : « هذا الحجر
نازیدی بن منگانی طایفه کسره - ۱۳۳۶ - ۱۳۳۷ » ، « صاحب هذا الحجر توفیق بنت یکانقلیج
طایفه کسره - ۱۳۳۶ - ۱۳۳۷ - ۱۳۱۳ - تاریخ » و ...

سنگ قبرها ، به طرحی تراشیده شده که گویا از شکل شاخ « قوچ » ملهم شده باشد .
البته در چند قطعه دیگر « ترکمن صحرا » دیده شده که شاخ قوچ را عیناً بر روی قبر گذارده
بودند . حتی در یکی دو قبر بیدک شاخ قوچ اکتفا شده بود و چند شاخ را با هم بر روی قبر
چیده بودند . به مفهوم این که صاحب قبر خیلی مقتدر و دارا بوده است . در واقع ، « قوچ »
و « شاخ قوچ » در میان همه ترکمنها و در قسمت های وسیعی از آسیای میانه « symbol -
نشانه و کتابه) قدرت شناخته شده است . این نقش در نمدهای ترکمنی و در یافته ها و در سرسوزن
چوبی خانه ها هم تکرار شده است . مخصوصاً در نقش نمدها « شاخ قوچ » را به اشکال مختلف
و بسیار زیبا طرح کرده اند .

اینچه بروننها از کم و کیف سنگ قبرهای ده خود کمتر اطلاع دارند . همینقدر میدانند
که این سنگ قبرها را سابقاً از « گومیشان » می آوردند و سنگ تراش در آنجا بوده است . در سبله ای
اخیر ، روی قبرها را سنگ نمی گذارند و به همان توده خاک انباشته بر روی قبر قناعت میکنند .

امامزاده و معتقدات عامیانه :

اینچه بروننها در مواردی که نذر و نیاز داشته باشند بزیارت « امامزاده دانشمند »
می روند که در همسایگی اینچه برون و در کنار دهکده کوچکی است که به همین مناسبت « دانشمند »
نامیده شده است . نام امامزاده را می گویند « ملا علی » بوده و علاوه بر فضل و دانش سرشاری که

ناهار را بر اینان آماده می کنند . در هر سینی سفره مقداری نان و ظرفی آبگوش می گذارند
و هر چند نفر دور یک میز می نینند و از یک ظرف باقاشهای چوبی که معمولاً هر قاشق درست
چند نفر می خورد غذا می خورد . بعد هم ، هر چند نفر با هم و نا « الله رحمت . . . الله رحمت »
گفتنی از خانه بیرون می روند . آنها که از دهکده های اطراف آمده بودند از اینچه برون برام
می ایستد تا زودتر به خانه ها و آلاچینها بنشان برسند .

اگر خانواده های « ارباب توانائی » داشته باشند ، در روز سوم و روز پنجم مرگ ، بزی
ذبح می کنند و آبگوشنی « الله سکی » می دهند . در روزهای : هفتم ، سیام ، چهلم ، شصت ،
نودم ، صدم ، صد و بیست ، صد و پنجاهم ، صد و هشتادم ، دو ست و دهم ، نوبست و چهلم ، دویست
و هفتادم و در سال روز مرگ هم خیرات می کنند . آنها که دست گشاده تری دارند تا هر چند سال
که بخوانند در سال روز مرگ خیرات خواهند کرد .

۱۳ - زاده ام در امامزاده گورای مرده ، جانا از مرده ، مجلس قرآن خوانی و دعا خوانی ترتیب میدهند .

نمونه‌ای از سبزه‌نقاشی ایران در دوران تیموری

نوشته نعلی

در موزه ایران باستان چهار برگه مصور از یک نسخه خطی پنج «گنج نظامی» از اواخر دوره تیموری نگهداری می‌شود. مجالس ناشی آن از شاهکارهای هنری ایران است. پیش از آنکه موزه ایران باستان این چند برگه در کتابخانه سلطنتی کالج کلسنای لندن در سال ۱۳۲۵ همراه مجموعه کوچکی از نقاشیهای گوناگون به موزه ایران باستان منتقل شده است. در سال ۱۳۳۵ در نمایشگاهی از آثار هنری ایران که اقامتگاهی مطالعات خاورمیانه ایالتی در شهرم تشکیل داد این مینیاتورها برای اولین بار به معرض نمایش گذاشتند (۱). پس از آن مدتی در تالار اسلامی موزه ایران باستان بود و در نمایشگاه هنر هزار ساله هنر ایران در کشورهای متحده آمریکا (خرده‌امه ۱۳۴۳ تا خرده‌امه ماه ۱۳۴۵) نیز بود (۲) و قرار است سال آینده نیز بعنوان معرفی شاهکارهای هنری ایران در غرفه دولت شاهنشاهی ایران در نمایشگاه بین‌المللی مونت‌رئال به معرض نمایش گذاشته شود.

نسخه در اصل برعکس ۱۸ سانتیمتر و طول بیست و چند سانتیمتر بوده است ولی چون بعدها تنها مجالس ناشی آن مورد نظر بوده است قسمتی از بالا و پائین صفحات را بریده‌اند. نسخه محیط مستطیل خوش است و جدول زبرین و لاجوردی دارد و گاهی آراسته به گل و بوته‌های الوان است (تصویر ۱) نسخه از قرن نهم هجری اواخر دوره تیموری است و مینیاتورهای آن را به سبک شیراز و احتمالاً تبریز نسبت می‌دهند. یکی از چهار تصویر مجلسی از داستان خسرو و شیرین است (شماره موزه ۴۵۶۳) و صحنه ملاقات آن دورا نشان میدهد.



داشته، تنبیه هم به اولاد و اسفاد یکی از «چهار پار»^۱ میرسیده است. اینجهمینها میکنند که «ملا علی داشتند» در همان مجلسی که اینک مقبره اوست شهید شده و نامش قرش بر حفاظ وینا بوده است. تا اینکه شصت هفتاد سال پیش «آبیدی - داند» نامی از اهالی اینجه مبرون بنا و گنبد قلع را امامزاده را ساخته و خانه هم برایش در نظر گرفته است. خادم - که خودشان «مناور» می‌نامند - مقبره و اطافهائی را که در کنار امامزاده ساخته شده است تمیزنگه می‌دارد و به علاوه بزرگانی که به امامزاده می‌آیند توجه و رسیدگی می‌کند. زائرین هم نذرهایی به او می‌دهند تا امور زندگی‌اش بگذرد.

زنان اینجه مبرون بیشتر از مردها به امامزاده متوسل می‌شوند. مخصوصاً زنان نازا، بی‌بچه یا بزرگالشی نذر می‌کنند و ترینه پارچه‌ها را به شاخه‌های درخت کوچک کنار امامزاده می‌بندند و ترینه پارچه‌ها هم از آن می‌کشایند. گاهی، از یک قلمه قر که بیک لکه رخ کمان می‌سازند و به شاخه درخت می‌آویزند.

زنان اینجه مبرون دعا و علائمی به نامهای کودکان خود می‌پوزند و طلبهایی به آنها می‌آموزند. بنظر می‌رسد که در اینجه مبرون هم رواج عقاید عامیانه در زنان بیشتر از مردان است. آنها معتقدند که:

اگر عنکبوتی از تار خود آویزان شود، مهربان یا مسافری که چشم بر آتش هستند خواهد رسید. علاوه، بعضی‌ها به عنکبوتی که جلوشان از تار آویزان شده باشد، می‌گویند: «اگر خیرت خوب است پائین بیا و اگر خیر بد داری بالا برو».

هرگاه کف دست شخصی بخارده، خیر خوبی بزودی خواهد شد و خوشحال خواهد شد. اگر در هنگام عبور کردن آرد و پختن نان، بتکشی از خنجر بجهت مهربان خواهد رسید. اگر چیزی شکستی مانند پیرانه، لوری، یا شتاب چینی و... از دست بزمین بیفتد و شکند رفع بلا خواهد شد.

چنانچه نوبی کوچک را در وقتیکه خالی است تکان بدهند، گوش یا سر کوچک درد خواهد گرفت.

چنانچه شخصی در هنگام شب از روی کپشه خاکستر بگذرد، جن او را از دست خواهد کرد. اگر شخصی خواب ببیند که جوراب یا کفشش را گم کرده است، بعد از بیدار شدن باید همان کفش یا همان جوراب را به کودک شیمی بپوشد. در غیر اینصورت، یکی از دستگانش خواهد مرد.

اگر شخصی در خواب گریه کند، خیر خوشی به او خواهد رسید. ولی اگر در خواب ببیند، روز بد و تلخی خواهد داشت.

مردم یکی از طایفه‌های اینجه مبرون - طایفه یلمه - روز پازدهم هر ماه را بدین می‌دانند و در این روز مسافرت نمی‌کنند. مردم طایفه دیگری - طایفه کسره - روز سوم هر ماه را بدین می‌دانند. ولی همه اینجه مبرونها معتقدند که روزهای چهارده، بیست و سه، و بیست و هفتم هر ماه برای مسافرت و معامله و توبه بدین روزهای خوبی است.

(1) mostra d'arte iranica ismeo - Roma - 1965. No: 532-533-534-535.

(2) 7000 years of Iranian Art Washington 1964-65. No: 696-697-698-699.



۲

(تصویر ۲) در طرف راست تصویر خسرو سوار بر شیدای اسب سیاه مشهور او است. در طرف چپ خانه زیبایی هست و شیرین با دو نفر برپام خانه ایستاده اند مناره‌های نیز برپام خانه است که از حاشیه خارج شده است. در این تصویر چنانکه خسرو بوده است آسمان روز را طلایی ساخته اند و زمین خاکستری است با گلهای پراکنده و پرده‌های گوناگون در تزیین درختان رنگ سبز بکار برده اند. بلندی تصویر ۹ سانتیمتر و پهنای آن ۱۱٫۵ سانتیمتر است.

دو مجلس دیگر از داستان لیلی و مجنون است. مجلس اول (شماره ۲۶۱۰) (تصویر ۳) لیلی و قیس را که سپس بنام مجنون مشهور شده است در مکتب‌خانه نشان میدهد. دختر آن و پسران در یک اتاق گرد آمده اند و لی معلمان جداگانه آنها را تعلیم میدهند. بنای آجری ساده طرف چپ بنا نماره بلندی منتهی شده که در اینجا نیز مانند تصویر خسرو و شیرین از حاشیه خارج شده است و مؤذنی نیز بر بالای آن دیده میشود. بلندی تصویر ۱۱٫۵ سانتیمتر و پهنای آن ۱۱٫۵ سانتیمتر است. تصویر دوم از داستان لیلی و مجنون (شماره ۲۵۶۲) (تصویر ۴) صحنه غم کردن لیلی و مجنون را نشان میدهد

در طرف چپ تصویر لیلی است که جامه خاکستری زر دوزی شده با آستر قائم در بر دارد. جامه مجنون لاجوردی فاخر است. مردی بر روی لیلی گلاب مپاشد تا بهوش آید. حیمنغا بر افراتنه و کومقند سر بریند آماده پختن است. شیری یکی از هیراهان لیلی حمله کرده و آهوان نیز مجنون را نگاه میکند. در این تصویر رنگ‌های روشن بیشتر بکار برده اند و مانند تصویر خسرو شیرین آسمان طلایی و زمین خاکستری روشن با گلهای پراکنده و پرین است. بلندی تصویر ۱۱٫۵ سانتیمتر و پهنای آن ۱۱٫۵ سانتیمتر است.

آخرین تصویر از هفت پیکر است (شماره موزه ۴۵۳۱) (تصویر ۵) و بهرام را در گنبد سفید نشان میدهد. بنا بر روایت داستان در روز آئینه بهرام به گنبد سفید میرفت و دختر ملک آئینه هتم برای او داستان خسرو و تمام ساختمان سفید



۳

۲- خسرو شیرین
۳- لیلی و مجنون

۴- لیلی و مجنون

۵- هفت پیکر

۶- اسکندریه



رنگ است و بهرام نیز در این روز زیور و جامه سفید در بر دارد بلندی تصویر ۹ سانتیمتر - عرض ۱۱ سانتیمتر. در کتاب روسی هنر ایران (۳) صفحه ۸۵۵ عکسی رنگی از یک نسخه خطی نظامی منتشر شده است که سابقاً در مجموعه کارتیه در پاریس بوده و صحنه مربوط به داستان اسکندریه است و به مکتب شیراز قرن پانزدهم میلادی نسبت داده شده است. این مینیاتور شباهت بسیار نزدیکی به مینیاتورهای موزه ایران باستان دارد.

(3) Survey of Persian Art.





عکاسی

دکتر هادی

ظاهر کردن فیلم بطور سریع و در مدت کوتاهی

در این مورد به هیچ وجه نباید استفاده کرد زیرا این مواد موجب بزرگ شدن آنها (Grain) میگردند.
در صورت وجود خشک کن برقی میتوان در مدت نیم ساعت فیلم را خشک و آماده کرد.
اگر اندکی زمان فیلمهای مرطوب - برای سرعت عمل بیشتر و صرفهجویی در وقت از فیلمهایی که هنوز خشک نشده میتوان در آگراندیسور استفاده کرد. البته در این صورت باید هر فیلمی را بریده و در کادر فلزی که فقط از اطراف آرانگه داشت و با خود تصویر هیچگونه تماسی ندارد قرار داد. چون تمرکز نوری که از کندانساتر (عدسیهایی که زیر لامپ آگراندیسور واقع است) عبور آرا جمع کرده بطرف نگانف هدایت میکند) میگذرد در روی فیلم مرطوب خالی از خطر نیست لذا قبلاً باید آگراندیسور را با فیلم دیگری تنظیم کرد و موقعی که همه چیز حاضر و آماده بود فقط در یک لحظه کوتاه از فیلم اصلی استفاده کرد.

ظهور در مناطق گرم و مرطوبی - در چنین نقاطی فیلمهای عکس گرفته شده را بلافاصله باید ظاهر کرد زیرا تصویر نامرئی (عکس کارویی فیلم گرفته شده هنوز ظاهر نگشته) در نتیجه تماس با هوای مرطوب خراب میگردد.
ظهور حتماً در تانک انجام میگردد که بهترین نوع آنها تا کهای فلزی است زیرا ثابت نگه داشتن درجهی حرارتشان سهلتر است. باین ترتیب که میتوان آنها را در داخل کاسه‌ای بر

اساس تکنیک دوربینهای کوچک در زیر دانه‌های فیلمهای آنهاست. بنابراین طرق مختلفی را که معمولاً در کار ظهور سریع خبرنگاری و نظایر آن بکار بسته میشود در این مورد نمیتوان توصیه کرد اما وقتیکه بطور قطع و اجتناب ناپذیر استفاده از آن ضروری باشد بطرز زیر میتوان عمل کرد:

محلول ظهور نسبت به محلول عادی چندین غلیظ خواهد بود که مدت ظهور را به نصف تقلیل دهد. از آنجائیکه این محلول خیلی قوی و مؤثر است لذا حرارت حتماً باید در ۱۸ درجهی سانتیگراد بطوریکه نواخت بوده و برای اینکه عمل ظهور در تمام قسمتهای فیلم یکسان باشد لازم است در تمام مدت ظهور فیلم در داخل محلول تکان داده شود.
مدت شستو در حمام توقف بدون آنکه در غلظت شستو تغییر داده شود میتواند به نصف تقلیل یابد و برای ثبوت از محلول زیر استفاده گردد.

هیپوسولفیت دوسود ۱۵۰ گرم
متایپولفیت دوسود ۱۲/۵ گرم
کلرور دامونیوم ۲۵ گرم
آب ۵۰۰ سانتی متر مکعب (c.c.)
بعد از پایان ثبوت، طبق معمول، فیلم شستو شده خشک میگردد.
از موادی که برای زودمن هیپوسولفیت تکار میروند

در سال ۱۳۰۴ در «کترکتیو» طالبان کار کوپایه‌های خوش آسوه‌های الرز است چندم جهان کنبود. پاک ماله بود که با خانواده خود از «کترکتیو» برشت رفت. درشت سالگی او را بیگب گذاشتند. مکتبی که مکتبدار آن پدرش بود. وی در کنار دیگر کودکان تحت تعلیم پدر قرار گرفت و به آموختن قرآن، عربی و دیگر موادی که آروزگار در مکتبخانه می‌آموختند پرداخت و خطرا از همان هنگام تعلیم گرفت.

با تأسیس مدارس جدید در رشت، سال ۱۳۱۶ به مدرسه رفت، و تکالیف سوم متوسطه در رشت به تحصیل پرداخت.
از این زمان علاقه بخط در او شدت یافت، و کوشید که با مشق کردن از روی خطوط اساتید علاقه فزاینده‌اش را بخط ارضاء کند.

در این دوره بود که محمودی هر جا قطعه خط خوشی می‌یافت، بیدرنگ به مشق کردن از روی آن می‌پرداخت، و می‌کوشید که اصول و قواعد، و رموز زیبایی خطرا بیابد.

در سال ۱۳۲۸ از رشت بتهران آمد، و چون احساس کرد که باید از محضر اساتیدی کتب فیض کند، و رموز قواعد خط را فراگیرد، نزد استاد یونزی رفت. و مدت سه سال از تجربه و هنر استاد بهره گرفت.

محمودی پس از آمدن بتهران مدتی در دستان چغتری بکار تعلیم خط مشغول شد و سال ۱۳۳۵ با استخدام حرهای زیبای کشور (سایر) درآمد، و از آن زمان در تانکون بتهران عالی دولتی و هنرستان موسیقی ملی بتعلیم خط هنرآموزی مشغول است. محمودی علاوه بر کار تعلیم خط با تدارک فرهنگ عامه نیز همکاری میکند. وی هم‌اکنون مشغول بحزیر کتاب «تاریخهای محلی شیرازی» از انتشارات اداره فرهنگ عامه است.

ارشد شیراز شیراز

شعرا شیراز

تکلیف در شیراز

تکلیف در شیراز

بخانه شیراز



آب فراوان و بارش آب گرم یا یخ درجه‌ی حرارت آنرا بالا می‌آید.

گرچه فورمول‌های ریجوسی برای محلول‌های ظهور مناطق گرم وجود دارد، مابدا فورمول ظهور و اشتداد (1) که پیش از این بحث آن گذشت، نیز در درجات بالا به خوبی قابل استفاده است. فقط باید در نظر داشت که وقتی حرارت از ۴۵ درجه سانتی گراد بالاتر رفت لازم است ۲۵ گرم سولفات سدیم بهر لیتر محلول اضافه گردد و بر همان

ظهور یک سوم حجم مادی افزوده شود (مثال: اگر بدون سولفات سدیم در مدت ۹ دقیقه فیلم ظاهر می‌شود در آنجا که آن در مدت ۱۳ دقیقه خواهد بود). پس از حمام ظهور، لازم است از حمام توقفی که دارای ماده سفید کننده ذرات گرم Alun de Chaux می‌باشد استفاده شود تا از خطر اینکه نتیجه از این فیلم استفاده نمی‌گردد، مبرا آید. موضوع دیگری که شایان ذکر است درجه‌ی



حرارت سایر محلول‌ها و حتی آب شستوی نهائی میباشد. برای اینکه از این فیلم در طول مدت عملیات دچار انقباض و انقباض نشود درجه‌ی حرارت تمام حمام‌ها باید یکسان باشد و اگر چه هیچ امکان ندارد درجه‌ی حرارت آب جاری را برای شستوی فیلم پائین آورد بهتر است بجای آب جاری هر پنج دقیقه یکبار آنرا عوض کرد و این آب‌ها در درجه‌ی حرارت لازم نگهداری شوند.

برای خشک کردن فیلم محل محفوظی دور از گرد

و نم‌ها و بعد امکان خشک لازم است. در سایه‌ی حمام توقف سفت کننده و محلول نیوت زاج دار خطر جابجاشدن از لایتین وجود نخواهد داشت.

بالاخره یادآوری میشود که شستوی فایک و طشتک و دیگر لوازم با آب زاول بشوید در مناطق گرم و رطوبتی مفید و حتی ضروری است.

جداگیری از خشکی فیلم‌ها

در طول جنگ اخیر، برای ظهور در مناطق حاره طرز



چونیدی کشف گردید. پیش از آن برای جلوگیری از نرم و خرابی فیلم بدین ژلاتین فیلم، قبلاً آنرا در حمام فرمل (Formol) قرار میدادند. ولی این عمل بطرز غیر قابل جبرانی سبب خشکی فیلمها میشد.

در کشف جدید علاوه بر فرمل «۶-نیتروپنترامیدازول» Nitropanzimidazol، وجود داره که از ایجاد پرده و خشکی ناشی از فرمال جلوگیری میکند. فیلمها پس از خضام با این مواد بدون هیچگونه خشکی با محلولهای ظهور عادی تا چهل درجی سانس گران میتواند ظاهر شود.

فرمول گدازک SH-5
محلول شماره يك : فرمال (محلول ۳٪) پنج سانتی متر مکعب (c.c.)

محلول شماره دو : محلول پنج هزار نیز و نیز بمیدازول چهل سانتی متر مکعب (40 c.c.)

سولفات دوسود آهنیدر ۵۰ گرم
کاربونات دوسود آهنیدر ۱۰ گرم
برای مجموع ۱۰۰۰ سانتی متر مکعب آب
درموقع استفاده هر دو محلول را بهم قاطی کرده قبلاً را

مدت دو دقیقه در آن نگهدارند و سپس زیر دقیقه با آب شسته و آنگاه در محلول ظهوری مانند D 76 گدازک ظاهر میکنند. نباید فراموش کرد که هر چه درجی در حرارت محلول ظهور بالاتر باشد از مدت ظهور کاسته میشود. نایل ترانسپ : تا ۲۴ درجی سانتی گران مدت معمولی

از ۲۴ تا ۳۰ * هفتاد درصد معمولی ۷۰٪
از ۳۰ تا ۳۲ * شصت درصد معمولی ۶۰٪
از ۳۲ تا ۳۵ * پنجاه درصد معمولی ۵۰٪
پس از خاتمی ظهور، فیلم در حمام توقف سخت کننده قرار گرفته و پس از آن بدون هیچگونه شستشوی بحمام می رود.



طرز نگهداری فیلمهای ظاهر شده (نگاتیفها)

فیلمهای ۳۵ م. م. را بعضیها بحال حلقه در قوطیهای فلزی شان نگهداری میکنند. در اینصورت هر بار که تکرار چاپ عکس از آن میان لازم گردد باید تمام حلقه باز و بسته شود و در ضمن این عملیات، هر چه دقت و احتیاط بعمل آید، بازگرد و خاک و لکهها و مخصوصاً خطوطی بر روی فیلم خواهد افتاد که در موقع آگراندیسمان بدنت چشم خواهد خورد. بهترین راه برپین آنها بقطعات شش عکس و نگهداری آنها در داخل پاکتهای مخصوصی است که برای همین منظور ساخته میشود. فیلمها را بدون بیرون آوردن از آن میتوان دید. بدین ترتیب درموقعی که پیدا کردن فیلم لازم میگردد از هر کوفه دست خوردگی و خط و خراشی محفوظ و مسون خواهد بود.

ایستکار وقتی بندریج انجام گیرد هیچ زحمتی نخواهد داشت و بایگانی خوب و منظمی بوجود خواهد آمد. برای نگهداری فیلمهای ۶x۶ و بزرگتر تنها يك راه وجود دارد آنهم پاکتهای شفاف (کاغذ مومی یا سلولان) است که در هر پاکتی فقط يك فیلم نگهداری میشود.



خوانندگان

سیاسگراری - کارکنان نویسندگان مجله هنر و مردم از کلیفاریان مطبوعاتی و خوانندگان و دوستانی که بهنامت آغاز پنجمین سال انتشار این مجله ، ایشان را مورد عنایت قرار دادهاند سپاسگزارند و درپناه این محبت‌ها برای خود توفیق خدمت بیشتر آرزو میکنند .

قلعه رودخان - آقای محمود چینی رئیس دبیرستان یوغلی سینا (تهران) بهمراه نامهٔ محبت‌آمیز خود مطالبی دربارهٔ یکی از آثار باستانی بنام قلعه رودخان فرستاده‌اند که قسمت‌هایی از آن در زیر بنظر خوانندگان گرامی می‌رسد :

« در فاصلهٔ بیست کیلومتری جنوب غربی فومن و در نواح جنگل‌های انبوه سلسله کوه‌های شمال ایران محلی است بنام قلعه رودخان که یکی از آثار بزرگ تاریخی ایران بشمار می‌رود و متأسفانه تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است . قلعهٔ رودخان کوهی است مدور بصورت کاسه‌ای سنگی که از عقب تا لحد آن اماق‌هایی از سنگی ساخته شده بطوریکه بام هر اماقی ایوانی برای اطاق طبقه بالا تراست و در اماق‌های فوقانی سوراخ‌هایی برای دیندانه‌هایی و نشانه‌گیری وجود دارد . راه نخستین خروج از قلعه بصورت پلکانی بوده که یک شب طولانی منتهی می‌شد ولی بعداً شکافی به عرض ۸ متر در کوه باز کرده‌اند که طبق نوشته‌ای که در سر در شکاف بر روی سنگ حک شده است امیر دین‌تاج فومنی در سال ۸۸۴ هجری آنرا برای رفتن و آمد بقلعه باز کرده است . »

آقای چینی سپس توجه ادارهٔ کل باستان‌شناسی را بوضع قلعهٔ مذکور جلب نموده اظهار عقیده کرده‌اند که این قلعه میتواند برای جلب جهانگردان مفید باشد .
قرآن در ۶۴ صفحه - آقای مصطفی فرض پور حاجیان بیک قرآن خوش خط ۶۴ صفحه‌ای که در منزل یکی از روستایان خود واقع در مازجان دیده‌اند اشاره نموده از ما خواسته‌اند از نویسندهٔ فقید این قرآن بنام زین‌العابدین شریف شیرازی بپرسیم . این قرآن در سال ۱۳۱۳ هجری قمری نوشته شده است .

آیندهٔ درخشان - آقای قانع کارمند بازنشسته آموزش و پرورش طی نامهٔ مسمومی یادآور شده‌اند که : « مطبوعات آیندهٔ درخشان زندگی پاک ملت زنده است و در عین حال وسیله‌ای است که میتواند با درج مقالات اخلاقی و سوسومند جلوگیری بگیرد . ایشان سپس از کمیتهٔ مجلاتی که بتوانند هادی جوانان باشند اظهار تأسفک کرده‌اند .

مسجد جامع ورامین - آقای ناصر عسگری دبلمه ریاضی ضمن ابراز لطف مینویسند : « ... من شماره‌های مجله هنر و مردم را همچون چشم‌خود حفظ میکنم . چون این مجله مرا با هنرناکاران ، عظمت ایران باستان و استنادن هنرمند معاصر آشنا میسازد » آقای عسگری همچنین عکسی از مسجد جامع ورامین برای ما فرستاده‌اند که متأسفانه بعقل فنی توانستیم آنرا چاپ کنیم .

آقای کورس - ایران پور ، اطریش - از حسن توجه سرکار سیاسگزاریم ، پیشنهاد سرکار دربارهٔ تهیهٔ شابلون مورد اقدام قرار گرفت . امیدواریم بزودی شمارا از نتیجه آگاه سازیم .
آقای دکتر حکیمیان - در مورد چاپ تابلوها پس از اظهار نظر متخصصان مجله میتوان اقدام نمود . هنر و مردم موفقیت بیشتر سرکار را آرزو میکند .

آقای محمدرضا زواری - همدان - در وضع توزیع مجله تغییراتی خواهیم داد و انشاء نظر شما تأمین خواهد گردید . توصیه سرکار را در مورد نام نویسندگان مقالات بکار خواهیم بست . حسن توجه شمارا مستثمم .

آقای پیروز - دربارهٔ عکاسی مطالبی چاپ شده و میثود . دربارهٔ فیلمبرداری نیز اقدام خواهد شد .

آقای سیاوش امامی - برای حفاظت آثار هنری وزارت فرهنگ و هنر اقدامات وسیعی بعمل می‌آورد . عکس‌هایی که گرفته ابتدا بفرستید تا با نظر متخصصان تصمیم گرفته شود . از محبت سرکار سپاسگزاریم .

اینکه سر ما را از ادب کندی
در بساط زمین طرب کندی
بر که را ام و آب ادب کندی
گردش ز دور و شب ادب کندی
منوب محمد آذین ۱۳۱۳